

نصرالله و حزب الله در یک نگاه

نصرالله و حزب الله در یک نگاه

زهرا زمانی

سیدحسین نصرالله در ۳۱ اوت ۱۹۶۰ در منطقه برج حمود در بیروت، پایتخت لبنان، به دنیا آمد. او از یک خانواده شیعه و اصالتاً اهل روستای بازوریه در جنوب لبنان بود. خانواده او وضع مالی چندان مناسبی نداشتند؛ پدرش مغازه‌داری خرد بود. این خانواده در محله‌ای فقیرنشین زندگی می‌کردند و همین شرایط سخت زندگی، تأثیر زیادی بر شخصیت و باورهای نصرالله، در دوران کودکی و جوانی او گذاشت. او فرزند ارشد میان ۹ فرزند دیگر خانواده بود. پدرش عضو حزب سوسیال ناسیونالیست سوری بود. به دلیل فقر اقتصادی و شرایط نامساعد کاری، خانواده وی به منطقه الکرنتینا در جنوب بیروت رفتند. خانواده وی در سال ۱۹۷۵، همزمان با آغاز جنگ داخلی لبنان، به البازوریه برگشتند. سیدحسین از کودکی شدیداً به سید موسی صدر، رهبر وقت شیعیان لبنان، سخت علاقه‌مند بود.

حسین نصرالله از اوان خردسالی به درس و تحصیل علاقه‌مند بود. او در دوران مدرسه، دانش‌آموزی پرشور و مذهبی بود و به علوم اسلامی گرایش زیادی داشت. او به دلیل تمایل فراوان به فراگیری آموزه‌های دینی، در نوجوانی به مطالعه متون اسلامی پرداخت و در فعالیت‌های مذهبی شرکت کرد. در همان سال‌های نوجوانی، تحت تأثیر فضای سیاسی منطقه و به ویژه تحولات ایران و انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت که به شکل‌گیری گرایش‌های سیاسی و اجتماعی او کمک کرد. در سنین جوانی، نصرالله برای ادامه تحصیل در علوم دینی راهی حوزه علمیه نجف در عراق شد؛ جایی که بسیاری از روحانیان برجسته شیعه، به تحصیل و تدریس مشغول بودند.

حسین نصرالله، در سال ۱۹۸۰ با فاطمه یاسین ازدواج کرد. او و همسرش صاحب چهار فرزند شدند:

۱. هادی: پسر بزرگ او بود که در سال ۱۹۹۷ در درگیری با نیروهای اسرائیلی، در جنوب لبنان جان خود را از دست داد و به نوعی به نماد مقاومت حزب‌الله تبدیل شد.

۲. محمد جواد: که مشغول فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی است و حضور

زیادی در رسانه‌ها ندارد.

۳- زینب: که ازدواج کرده و زندگی خانوادگی خود را دارد. اطلاعات زیادی از او در دست نیست چرا که خانواده نصرالله به دلیل مسائل امنیتی و شرایط خاصشان، از رسانه‌ها دور نگه داشته شده‌اند.

۴. محمد علی: از دیگر فرزندان حسن نصرالله است که همانند برادران و خواهرش، زندگی خصوصی دارد و کمتر در محافل عمومی دیده می‌شود.

تحصیلات

همچنان‌که ذکر شد، نصرالله برای تحصیلات دینی خود ابتدا به نجف در عراق رفت و در آنجا دروس حوزوی را آغاز کرد. استادان برجسته‌ای همچون: آیت‌الله سید محمدباقر صدر (یکی از مراجع بزرگ شیعه و بنیان‌گذار حزب‌الدعوه در عراق) در نجف، از استادان نصرالله در علوم دینی محسوب می‌شود. سیدحسن، پس از مدتی به دلیل مشکلات امنیتی و شرایط سخت رژیم بعث عراق برای شیعیان و فعالان سیاسی، به ناگزیر نجف را ترک کرد و به لبنان بازگشت. او در لبنان به تحصیل علوم دینی در حوزه علمیه بعلبک و سپس در حوزه علمیه بیروت ادامه داد و تحت نظارت شیخ محمد غازی و سپس شهید سیدعباس موسوی به تکمیل دروس حوزوی خود پرداخت. بنابراین، حسن نصرالله دروس حوزوی خود را تا سطوح بالایی پی گرفت و این زمینه علمی به او کمک کرد تا در جنبش حزب‌الله به یکی از رهبران برجسته تبدیل‌شود.

پیوستن به جنبش امل

حسن نصرالله در سنین نوجوانی به جنبش امل پیوست. این جنبش در دهه ۱۹۷۰ میلادی و با هدف دفاع از حقوق شیعیان لبنان تأسیس شد و امام موسی صدر، روحانی برجسته لبنانی-ایرانی، از بنیان‌گذاران اصلی آن بود. امل که مخفف عبارت: «افواج مقاومت لبنان» است، در ابتدا بر مسائل اجتماعی، فرهنگی، و اقتصادی شیعیان تمرکز داشت و بعدها در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی لبنان، جنبه نظامی و مقاومت نیز پیدا کرد. در آن زمان، وضعیت اجتماعی و اقتصادی شیعیان لبنان بسیار دشوار بود و بسیاری از مناطق جنوبی لبنان به دلیل حملات نیروهای اسرائیلی، شرایط امنیتی پیچیده‌ای داشت. نصرالله، که تحت تأثیر آموزه‌های امام موسی صدر و ایده‌های او درباره حقوق شیعیان و ضرورت مقاومت در برابر دشمنان لبنان بود، به امل پیوست و فعالیت‌های خود را در راستای اهداف این جنبش آغاز کرد.

حسن نصرالله در این دوره تحت تعلیمات دینی و نظامی قرار گرفت و به سرعت توانست خود را به عنوان یک نیروی مؤثر و فعال معرفی کند. با این حال، پس از مدتی، اختلافاتی در ایدئولوژی و اهداف بین او و

دیگر رهبران امل به وجود آمد. این اختلافات بیشتر به دلایل زیر بود:

۱ اختلافات ایدئولوژیک: نصرالله و گروهی از اعضای امل خواستار نزدیکی بیشتر به انقلاب اسلامی ایران و حمایت از ایده‌های آیت‌الله خمینی بودند، در حالی‌که برخی دیگر از رهبران امل تمایل بیشتری به رویکردهای ملی‌گرایانه داشتند.

۲ مسائل استراتژیک و نظامی: پس از اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل، برخی از اعضای امل، از جمله نصرالله، معتقد بودند که باید به یک سازمان مقاومت اسلامی با هدف مبارزه مستقیم با اسرائیل تبدیل شوند. این دیدگاه‌ها در نهایت منجر به جدایی او و گروهی از هم‌فکرانش از امل شد.

پس از این جدایی، حسن نصرالله به حزب‌الله لبنان پیوست، سازمانی که در سال ۱۹۸۲ و با حمایت جمهوری اسلامی ایران تأسیس شد و با هدف مقاومت در برابر اشغالگری اسرائیل و ایجاد جامعه‌ای اسلامی در لبنان فعالیت خود را آغاز کرد.

نمایندگی آیت‌الله خمینی در لبنان

در دیداری که حسن نصرالله در سال ۱۳۶۰ با آیت‌الله خمینی در تهران داشت، ایشان وی را به‌عنوان نماینده خود در امور حسبیّه و اخذ امور شرعیّه در لبنان منصوب کرد. نصرالله در زمان دریافت این حکم ۲۱ ساله بود و اولین فرد از رهبران حزب‌الله لبنان به شمار می‌آید که چنین حکمی را از آیت‌الله خمینی دریافت کرده‌است.

سفر به ایران

نصرالله در سال ۱۳۶۱ هم به‌عنوان سرپرست تیم ورزشی جنبش امل به تهران سفر کرد که به دلیل درگرفتن جنگ ۱۹۸۲ لبنان این سفر نیمه‌تمام ماند. نصرالله در سال ۱۳۶۶ تصمیم گرفت که برای ادامه تحصیلات دینی به قم مهاجرت کند. او دو سال در حوزه علمیه قم تحصیل کرد. نصرالله در این مدت زبان فارسی را به خوبی آموخت و دوستان نزدیکی در میان نخبگان سیاسی-نظامی ایران پیدا کرد. او در سال ۱۳۶۸ به لبنان بازگشت.

تأسیس حزب الله

تأسیس حزب‌الله لبنان به دلایل متعددی بازمی‌گردد که شامل عوامل تاریخی، سیاسی، اجتماعی و ایدئولوژیک است. حزب‌الله در سال ۱۹۸۲، در بحبوحه اشغال لبنان توسط اسرائیل و تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران و نیاز به حمایت از جامعه شیعیان لبنان، شکل گرفت. دلایل و

عوامل مؤثر در شکل‌گیری حزب‌الله را می‌توان در این نکات خلاصه کرد:

۱. اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل
اشغال جنوب لبنان توسط اسرائیل در سال ۱۹۷۸، و پس از آن حمله و اشغال بیروت در سال ۱۹۸۲، به شکل‌گیری حزب‌الله شتاب بخشید. حضور نظامی اسرائیل در لبنان و هدف قرار دادن زیرساخت‌ها، مناطق مسکونی و کشاورزی باعث شد که بخش‌های زیادی از جنوب لبنان آسیب ببینند و هزاران نفر از مردم شیعه از خانه و کاشانه‌شان آواره شوند. این اشغالگری و پیامدهای آن، احساس نیاز به یک نیروی مقاومت اسلامی را به وجود آورد که بتواند در برابر تهاجم و تهدید اسرائیل از جنوب لبنان دفاع کند.

۲. الهام از انقلاب اسلامی ایران و حمایت جمهوری اسلامی
انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹، تأثیر عمیقی بر جنبش‌های اسلامی در سراسر خاورمیانه گذاشت. این انقلاب که به رهبری امام خمینی و بر پایه ایدئولوژی اسلام سیاسی و شیعی شکل گرفت، بسیاری از شیعیان لبنان را نیز تحت تأثیر قرار داد. ایده‌های انقلابی آیت‌الله خمینی، از جمله مبارزه با ظلم و استکبار، در میان جامعه شیعه لبنان بسیار مورد توجه قرار گرفت و الهام‌بخش رهبران حزب‌الله شد. جمهوری اسلامی ایران نیز با حمایت مالی، تسلیحاتی و آموزشی از گروه‌های مقاومت شیعه، از جمله حزب‌الله، زمینه‌ساز تقویت و سازمان‌دهی این جنبش شد.

۳. اختلافات ایدئولوژیک با جنبش امل
همچنان‌که یادآور شدیم، پیش از تشکیل حزب‌الله، جنبش امل به رهبری امام موسی صدر، نماینده اصلی شیعیان لبنان بود و با هدف دفاع از حقوق شیعیان و مقابله با نابرابری‌های اجتماعی و سیاسی فعالیت می‌کرد. اما پس از ناپدید شدن امام موسی صدر در سال ۱۹۷۸، اختلاف‌های ایدئولوژیک و راهبردی بین اعضای امل پدیدار شد. بسیاری از جوانان انقلابی و رهبران جدید، از جمله حسن نصرالله، به دلیل تمایل به ایدئولوژی انقلابی‌تر و پیروی از ولایت فقیه، از امل جدا شدند و به تشکیل گروهی مستقل، تحت عنوان «حزب‌الله» اقدام کردند. این گروه از همان ابتدا خود را به عنوان یک جنبش اسلامی رادیکال و مقاومتی معرفی کرد.

۴. فقدان حمایت دولتی از شیعیان و مسائل داخلی لبنان
شیعیان لبنان که یکی از بزرگترین جوامع مذهبی این کشور بودند، به لحاظ سیاسی و اقتصادی از جایگاه ضعیفی برخوردار بودند و در

بسیاری از موارد از حمایت دولت محروم می‌شدند. نبود پشتیبانی و امنیت کافی برای جامعه شیعه، به ویژه در مناطق جنوبی لبنان که به صورت مکرر مورد تهاجم اسرائیل قرار می‌گرفت، آن‌ها را وادار کرد که به دنبال نیرویی برای دفاع از خود باشند. حزب‌الله با هدف دفاع از شیعیان و تأمین امنیت و رفاه جامعه شیعی و همچنین با تمرکز بر مقاومت در برابر اسرائیل، محبوبیت و مقبولیت گسترده‌ای در این جامعه یافت.

۵. جنگ داخلی لبنان (۱۹۷۵-۱۹۹۰)

جنگ داخلی لبنان که از ۱۹۷۵ تا ۱۹۹۰ به طول انجامید، سبب گسترش شکاف‌ها و اختلاف‌های فرقه‌ای در لبنان شد. در این شرایط، شیعیان لبنان که از لحاظ نظامی و سیاسی قدرت چندانی نداشتند، به تشکیل یک نیروی نظامی مستقل و متحد نیاز داشتند که از منافع آن‌ها دفاع کند. این نیروی جدید، که بعدها به حزب‌الله معروف شد، با هدف ایجاد ثبات و حفظ جایگاه شیعیان در ساختار قدرت سیاسی لبنان تشکیل شد.

۶. ترکیب ایدئولوژی اسلامی و ناسیونالیسم لبنانی
حزب‌الله از همان ابتدا تلاش کرد که ایدئولوژی اسلام شیعی را با نوعی از ناسیونالیسم لبنانی درآمیزد. این جنبش نه تنها بر حمایت از جامعه شیعه لبنان تمرکز کرد، بلکه خود را به عنوان جنبشی لبنانی و مقاومتی در برابر اشغالگران معرفی کرد. این ترکیب ایدئولوژیک باعث شد که حزب‌الله نه تنها در میان شیعیان، بلکه در میان بخشی از دیگر جوامع لبنانی نیز حامیانی پیدا کند.

دبیرکلی حزب الله

سیدحسن نصرالله از ابتدای شکل‌گیری حزب‌الله در آن به فعالیت پرداخت. وی در سال ۱۹۸۵ با انتقال به بیروت مسؤولیت‌های سنگین‌تری را عهده‌دار شد. نخستین مسؤولیت مهم نصرالله آماده‌سازی نیروهای مقاومت و تأسیس هسته‌های نظامی و در عین حال معاون ابراهیم امین از نمایندگان حزب‌الله در پارلمان لبنان بود. در سال ۱۹۸۷ و هم‌زمان با تشکیل کمیته اجرایی حزب‌الله، نصرالله به ریاست کمیته انتخاب شد. در عین حال او در شورای تصمیم‌گیری حزب‌الله نیز وارد شد و مسؤول اجرایی آن نیز بود. در نهایت پس از ترور سید عباس موسوی به وسیله بالگردهای اسرائیلی در ۱۶ فوریه ۱۹۹۲، با اجماع شورای تصمیم‌گیری حزب‌الله، سیدحسن نصرالله برای دبیرکلی حزب‌الله انتخاب شد. او در زمان رهبری حزب‌الله، ۳۲ سال داشت و به باور برخی، انتخاب او ناشی از ارتباطات ویژه‌اش با جمهوری اسلامی ایران

بود. بسیاری از روحانیون شیعه، در کفایت دانش دینی نصرالله تشکیک می‌کردند؛ به همین دلیل، او همزمان تحصیلاتش را از سرگرفت. وی برخلاف رهبران قبلی حزب‌الله، عمل‌گرایی را وجهه همت خود ساخت. ناگفته نماند انتصاب او در شرایطی صورت گرفت که حزب‌الله نیازمند رهبری قدرتمند و سازمان‌یافته بود؛ تا هم به چالش‌های نظامی و امنیتی پاسخ دهد و هم بتواند موقعیت خود را در عرصه سیاسی لبنان تثبیت‌کند.

عوامل انتصاب حسن نصرالله به رهبری حزب‌الله:

۱. توانایی‌های رهبری: حسن نصرالله از جوانی به دلیل توانایی‌های مدیریتی و نظامی خود در جنبش امل و سپس حزب‌الله شناخته شده بود. او به سرعت در حزب‌الله به عنوان یک فرمانده نظامی قابل اعتماد و مدیری موفق شناخته شد و با اخلاق و جدّیت خود توانست اعتماد و احترام هم‌زمانش را جلب‌کند.

۲. ارتباط نزدیک با رهبران حزب‌الله و ایران: نصرالله رابطه نزدیکی با رهبران حزب‌الله و حامیان ایرانی آن‌ها داشت و به دلیل اعتقاد عمیق به ولایت فقیه، مورد اعتماد رهبران ایرانی نیز قرار داشت. این ارتباط باعث شد که او به عنوان فردی شایسته و هم‌سو با خط‌مشی ایدئولوژیک و استراتژیک حزب‌الله شناخته‌شود.

۳. درک قوی از شرایط و چالش‌های لبنان: نصرالله به دلیل شناخت عمیق از مسائل اجتماعی، سیاسی و نظامی لبنان و همچنین تجربه‌های خود در مقاومت و مبارزه، قادر بود به شکلی مؤثر حزب‌الله را در مسیر اهداف بلند مدت هدایت‌کند.

آرمان‌ها و اندیشه‌های نصرالله

حسن نصرالله به عنوان رهبر حزب‌الله لبنان، ایدئولوژی و اعتقادات مذهبی را به عنوان یکی از ارکان اصلی در شکل‌گیری دیدگاه‌های سیاسی و مبارزاتی خود قرار داده بود. او که از نوجوانی تحت تأثیر آموزه‌های اسلام شیعی و تفکرات انقلابی آیت‌الله خمینی و امام موسی صدر قرار داشت، توانست این باورها را به عنوان زیربنای ایدئولوژیک خود در مسیر مقاومت و مبارزه علیه ظلم و تجاوز قرار دهد. چند عنصر اصلی در باورهای مذهبی و ایدئولوژیک او نقش مؤثری در شکل‌گیری دیدگاه‌هایش داشته است:

۱. مبارزه با ظلم و دفاع از مستضعفان

حسن نصرالله از آموزه‌های اسلام شیعی، به‌ویژه تأکید بر حمایت از مستضعفان و مبارزه با ظلم، تأثیر عمیقی پذیرفته است. این آموزه‌ها که در فرهنگ شیعی و به خصوص در نهضت عاشورا بسیار برجسته است، او

را به سمت یک رویکرد مقاومتی و ایستادگی در برابر اشغالگری اسرائیل و همچنین هر نوع ستمی که بر مردم لبنان اعمال می‌شود، سوق داده‌است. نصرالله باور داشت که مقابله با ظلم و وظیفه‌ای دینی و اخلاقی است و همین اعتقاد، او را به یکی از حامیان اصلی مقاومت در منطقه تبدیل کرده‌بود.

۲. پیروی از ولایت فقیه و اندیشه‌های آیت‌الله خمینی
اندیشه‌های آیت‌الله خمینی درباره ولایت فقیه و مسؤولیت سیاسی و دینی جامعه اسلامی نقش مهمی در شکل‌گیری تفکرات حسن نصرالله ایفا کرده‌است. او به نظریه ولایت فقیه باور دارد و بر این اساس، پیروی از رهبری ایران و ایده‌های آیت‌الله خمینی را وظیفه‌ای دینی می‌دانست. این دیدگاه باعث شد که نصرالله پس از جدایی از امل و پیوستن به حزب‌الله، ارتباط تنگاتنگی با ایران برقرار کند و حزب‌الله را به یک سازمان قدرتمند با حمایت معنوی و استراتژیک ایران تبدیل کند. این باورها، جهت‌گیری سیاسی و مبارزاتی او را تحت تأثیر قرار داده و سبب تقویت پیوندهای فکری و سیاسی حزب‌الله با جمهوری اسلامی ایران شده است.

۳. الگوگیری از نهضت عاشورا و امام حسین(ع)
یکی از مهم‌ترین منابع الهام فکری نصرالله، نهضت عاشورا و قیام امام حسین (ع) است. او در سخنرانی‌های خود بارها به قیام عاشورا اشاره کرده و آن را الگویی برای مبارزه با ظلم و فداکاری در راه آرمان‌های الهی می‌دانست. عاشورا در فرهنگ شیعی، نماد مقاومت در برابر ظلم و ستم است و نصرالله تلاش کرده بود تا این روحیه را در حزب‌الله و هواداران خود تقویت کند و مفهوم «شهادت» را به عنوان یک ارزش دینی و انقلابی در فرهنگ سیاسی حزب‌الله نهادینه سازد.

۴. تأکید بر وحدت اسلامی
با وجود اختلاف‌های مذهبی در لبنان و جهان اسلام، حسن نصرالله همواره بر اهمیت وحدت اسلامی تأکید داشته و تلاش کرده که در مسیر مبارزه با دشمنان خارجی، به ویژه اسرائیل، از ایجاد اختلاف‌های فرقه‌ای پرهیز کند. او وحدت شیعه و سنی را یک اصل می‌داند و سعی کرده از آموزه‌های اسلام برای تقویت این وحدت بهره بگیرد. به باور او، دشمن اصلی اسرائیل و نیروهای استکباری هستند و جهان اسلام باید از هر نوع اختلاف داخلی فاصله بگیرد تا در برابر این تهدیدها متحد باشد.

۵. آرمان آزادی فلسطین
نصرالله، آزادی فلسطین و مبارزه با اشغالگری اسرائیل را نه فقط

یک مساله سیاسی، بلکه یک وظیفه دینی و ایدئولوژیک می‌دانست. از منظر او، حمایت از مردم فلسطین و تلاش برای آزادی قدس، جزو اصول و اهداف مبارزاتی هر مسلمانی است و این وظیفه بر عهده حزب‌الله نیز قرار دارد. این باور دینی در حمایت قاطعانه حزب‌الله از گروه‌های مقاومت فلسطینی نیز به وضوح دیده می‌شود.

نقش حسن نصرالله در تثبیت حزب‌الله در عرصه سیاسی و نظامی لبنان

۱. تقویت توان نظامی و ایجاد شبکه مقاومت: نصرالله پس از رسیدن به رهبری، تلاش کرد ساختار نظامی حزب‌الله را سازماندهی کرده و آن را به یک نیروی قدرتمند و سازمان یافته تبدیل کند. او توانست با استفاده از کمک‌های نظامی و آموزشی ایران، شبکه‌ای از نیروهای مقاومتی را ایجاد کند که به شکل مؤثری در برابر اسرائیل ایستادگی کردند و در نهایت باعث خروج اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ شدند. این موفقیت نظامی اعتبار حزب‌الله را در لبنان و منطقه افزایش داد.

۲. تبدیل حزب‌الله به یک نیروی سیاسی مؤثر: نصرالله تلاش کرد که حزب‌الله را به عنوان یک حزب سیاسی، رسمی و قانونی در لبنان معرفی کند. در دهه ۹۰ میلادی، حزب‌الله در انتخابات پارلمانی لبنان شرکت کرد و توانست چندین کرسی به دست آورد. با این حرکت، نصرالله نه تنها به تثبیت حزب‌الله در عرصه سیاسی لبنان کمک کرد، بلکه توانست حمایت بیشتری از مردم لبنان جلب کند و حزب‌الله را به عنوان یک بازیگر سیاسی مشروع در این کشور به رسمیت بشناساند.

۳. ایجاد وجهه مردمی و ملی‌گرایانه برای حزب‌الله: نصرالله توانست با تمرکز بر مفهوم مقاومت و ارائه خدمات اجتماعی و رفاهی به اقشار ضعیف لبنان، حزب‌الله را از یک گروه صرفاً شیعی به یک جنبش ملی‌گرا و مقاومتی در سطح کل لبنان تبدیل کند. او تلاش کرد که حزب‌الله به عنوان نماد مقاومت در برابر اسرائیل و حامی حقوق مردم لبنان معرفی شود.

۴. حفظ استقلال حزب‌الله در ساختار سیاسی لبنان: نصرالله همواره بر استقلال حزب‌الله در تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌ها تأکید داشته و تلاش می‌کرده تا این گروه را از اختلاف‌ها و کشمکش‌های داخلی لبنان دور نگه دارد. این استقلال‌طلبی به حزب‌الله اجازه داد که بدون وابستگی به سایر احزاب لبنانی، هم به عنوان نیروی مقاومت در برابر اسرائیل و هم به عنوان حامی منافع مردم لبنان عمل کند.

۵. ارتباط با ایران و تقویت محور مقاومت در منطقه: نصرالله با حفظ ارتباط نزدیک با جمهوری اسلامی ایران و حمایت از آرمان‌های مقاومت اسلامی، توانست حزب‌الله را به یکی از اعضای اصلی محور

مقاومت در منطقه تبدیل کند. این ارتباط و حمایت ایران، حزب‌الله را از نظر نظامی و مالی تقویت و آن را به یک بازیگر مؤثر منطقه‌ای تبدیل کرد.

نبردهای مختلف با اسرائیل

درگیری‌های نظامی بین حزب‌الله و اسرائیل به عنوان بخشی از مقاومت حزب‌الله در برابر اشغالگری و تجاوزهای اسرائیل، تاریخچه‌ای طولانی دارد. این درگیری‌ها به ویژه پس از تأسیس حزب‌الله در دهه ۱۹۸۰ و در نتیجه حضور اسرائیل در جنوب لبنان شدت گرفت. برخی از مهم‌ترین جنگ‌ها و درگیری‌های بین حزب‌الله و اسرائیل، شامل آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶ است. مروری بر این جنگ‌ها و تأثیرات آن‌ها روشن‌گر می‌نماید:

۱. آزادسازی جنوب لبنان (۲۰۰۰)

در سال ۱۹۸۲، اسرائیل در جریان جنگ داخلی لبنان به این کشور حمله و بیروت را نیز اشغال کرد. اسرائیل بخش‌هایی از جنوب لبنان را نیز تحت اشغال خود نگه داشت. حزب‌الله، به عنوان یک نیروی مقاومتی اسلامی، از همان زمان فعالیت‌های نظامی خود را برای آزادی این مناطق آغاز کرد. پس از نزدیک به دو دهه عملیات‌های مقاومتی، سرانجام در سال ۲۰۰۰ و تحت فشار مداوم نیروهای حزب‌الله، اسرائیل مجبور به عقب‌نشینی از جنوب لبنان شد. این آزادسازی جنوب لبنان بدون توافق‌نامه رسمی و از طریق فشارهای نظامی و عملیاتی حزب‌الله به دست آمد و پیروزی بزرگی برای حزب‌الله محسوب شد. این موفقیت نظامی موجب تقویت موقعیت حزب‌الله در لبنان و منطقه و افزایش محبوبیت حسن نصرالله به عنوان رهبر این جنبش شد.

۲. جنگ ۳۳ روزه (۲۰۰۶)

جنگ ۳۳ روزه یا جنگ دوم لبنان در سال ۲۰۰۶ و در پی یک عملیات نظامی حزب‌الله آغاز شد. در ژوئیه ۲۰۰۶، حزب‌الله در عملیاتی موسوم به «وعده صادق»، یک گروه از نیروهای اسرائیلی را در مرز لبنان و اسرائیل هدف قرار داد و دو سرباز اسرائیلی را به اسارت گرفت. این عملیات با هدف مبادله زندانیان لبنانی در اسرائیل انجام شد. با این حال، این اقدام به درگیری گسترده‌ای منجر شد که به جنگ ۳۳ روزه انجامید. این جنگ از ۱۲ ژوئیه تا ۱۴ اوت ۲۰۰۶ ادامه داشت و مناطق گسترده‌ای از لبنان و همچنین شهرهای شمال اسرائیل درگیر حملات و درگیری‌های نظامی شدند. جنگ ۳۳ روزه ویژگی‌های برجسته‌ای داشت که آن را به یک نقطه عطف در درگیری‌های حزب‌الله و اسرائیل تبدیل کرد:

حملات هوایی و تخریب زیرساخت‌ها: اسرائیل در جریان این جنگ، به حملات هوایی گسترده‌ای علیه زیرساخت‌های لبنان پرداخت و بسیاری از مناطق مسکونی و صنعتی، به‌ویژه در بیروت و جنوب لبنان، تخریب شد. موشک باران شمال اسرائیل: حزب‌الله نیز در این جنگ از موشک‌های خود برای هدف قرار دادن شهرها و مناطق شمال اسرائیل استفاده کرد. این حملات باعث شد که بخش‌های وسیعی از جمعیت اسرائیل در شمال این کشور به پناهگاه‌ها منتقل شوند و زندگی روزمره آن‌ها مختل شود.

عملیات نظامی مقاومت و جلوگیری از نفوذ زمینی: حزب‌الله با تاکتیک‌های نظامی پیشرفته و استفاده از تونل‌ها، توانست از نفوذ نیروهای زمینی اسرائیل به جنوب لبنان جلوگیری کند و آن‌ها را به شدت متوقف سازد. این تاکتیک‌ها نشان‌دهنده سازمان‌دهی و آموزش‌های نظامی قوی حزب‌الله بود.

جنگ ۳۳ روزه در نهایت با دخالت سازمان ملل و صدور قطعنامه ۱۷۰۱ شورای امنیت به پایان رسید. بر اساس این قطعنامه، نیروهای اسرائیلی از جنوب لبنان عقب‌نشینی کردند و نیروهای حافظ صلح سازمان ملل (یونيفل) به همراه نیروهای ارتش لبنان در جنوب لبنان مستقر شدند.

پیامدهای جنگ ۳۳ روزه

تقویت جایگاه حزب‌الله: جنگ ۳۳ روزه و توانایی حزب‌الله در جلوگیری از پیشروی اسرائیل و مقاومت مؤثر در برابر این کشور، به اعتبار و محبوبیت حزب‌الله در لبنان و سراسر جهان عرب و اسلامی افزود. این جنگ، حزب‌الله را به عنوان نیروی قدرتمند و مقاوم در برابر اسرائیل معرفی کرد و حسن نصرالله به عنوان رهبری محبوب شناخته شد.

تغییر در معادلات نظامی: حزب‌الله در این جنگ با استفاده از تاکتیک‌های جدید و سلاح‌های پیشرفته، از جمله موشک‌های کوتاه‌برد و ضدتانک، نشان داد که می‌تواند به طور مؤثری با ارتش قدرتمند اسرائیل مقابله کند. این موفقیت‌ها موجب تقویت محور مقاومت و حمایت بیشتر ایران و سوریه از حزب‌الله شد.

افزایش تنش‌ها در منطقه: پس از این جنگ، تنش‌های منطقه‌ای بین حزب‌الله، اسرائیل و متحدان منطقه‌ای آن‌ها افزایش یافت. اسرائیل پس از جنگ ۳۳ روزه، همواره حزب‌الله را به عنوان تهدیدی استراتژیک در مرزهای شمالی خود می‌بیند و از آن زمان تاکنون به تقویت نیروها و پدافندهای خود در مرز لبنان پرداخته است.

راهبردهای کلان حزب الله

۱. استراتژی‌ها و تاکتیک‌های نظامی حزب‌الله

الف) جنگ نامتقارن و چریکی

یکی از مهم‌ترین تاکتیک‌های حزب‌الله در جنگ با اسرائیل استفاده از جنگ نامتقارن است. حزب‌الله به جای درگیر شدن در جنگ کلاسیک و روبه‌رو با ارتش اسرائیل، بر استفاده از تاکتیک‌های چریکی، حملات کوچک و موضعی، و ضربه زدن سریع و عقب‌نشینی متمرکز کرد. این استراتژی در مناطق کوهستانی و پوشیده از درخت جنوب لبنان به خوبی جواب داد و باعث شد حزب‌الله بتواند از پیشروی نیروهای اسرائیلی جلوگیری کند.

ب) استفاده از تونل‌ها و پناهگاه‌های زیرزمینی

حزب‌الله با استفاده از تونل‌های زیرزمینی و شبکه‌های مخفی در مناطق مرزی، توانست نیروهای خود را از دید نیروهای اسرائیلی مخفی کند. این تونل‌ها به آن‌ها امکان جابه‌جایی سریع و حملات غافلگیرانه را می‌داد. این زیرساخت‌های زیرزمینی که به خوبی پنهان و محافظت می‌شدند، به حزب‌الله امکان مقابله مؤثر با حملات هوایی و زمینی اسرائیل را داد.

ج) استفاده از موشک‌ها و سلاح‌های دقیق

حزب‌الله با بهره‌گیری از موشک‌های کوتاه‌برد و متوسط‌برد توانست توازن جنگ را به نفع خود تغییر دهد. این موشک‌ها، که از حمایت و تامین جمهوری اسلامی ایران برخوردار بودند، به حزب‌الله امکان حمله به شهرهای شمالی اسرائیل را می‌داد. استفاده از موشک‌ها و حملات موشکی به شهرهای اسرائیل، نه تنها باعث اختلال در زندگی روزمره اسرائیلی‌ها شد، بلکه به عنوان یک ابزار بازدارنده قوی عمل کرد.

د) بهره‌گیری از جنگ روانی و رسانه‌ای

حزب‌الله به طور گسترده از رسانه‌ها و جنگ روانی استفاده کرد. شبکه تلویزیونی «المنار» که رسانه رسمی حزب‌الله است، به پخش تصاویر و پیام‌های مقاومت و موفقیت‌های نظامی حزب‌الله می‌پرداخت و به این ترتیب تصویر قدرتمندی از مقاومت در برابر اسرائیل به جهان عرب و جامعه لبنان ارائه می‌داد. این جنگ روانی باعث افزایش روحیه نیروهای حزب‌الله و جلب حمایت مردمی شد و اسرائیل را در عرصه افکار عمومی تحت فشار قرار داد.

ه) تمرکز بر پشتیبانی مردمی و ایجاد شبکه خدمات اجتماعی

حزب‌الله از همان ابتدای فعالیت خود، همواره به پشتیبانی مردمی اهمیت داده است. این گروه با ارائه خدمات اجتماعی، بهداشتی و آموزشی به اقشار ضعیف جامعه شیعی لبنان، پایگاه اجتماعی خود را تقویت کرد. این پایگاه اجتماعی قوی به حزب‌الله امکان می‌داد که در جنگ‌های نظامی از حمایت مردم برخوردار باشد و از آن‌ها به عنوان حامیان وفادار استفاده کند.

۲. تأثیر جنگ‌ها بر سیاست و روابط لبنان و اسرائیل

(الف) تقویت جایگاه حزب‌الله در سیاست لبنان

پیروزی‌های نظامی حزب‌الله، به ویژه آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ و موفقیت‌های مقاومت در جنگ ۳۳ روزه در سال ۲۰۰۶، موقعیت حزب‌الله را به عنوان یک نیروی مقاومت مشروع و قدرتمند در لبنان تثبیت کرد. حزب‌الله از این پیروزی‌ها برای تقویت حضور خود در سیاست لبنان و ورود به مجلس و کابینه دولت استفاده کرد. این نقش دوگانه حزب‌الله به عنوان یک نیروی نظامی و سیاسی، آن را به یکی از بازیگران اصلی صحنه سیاست لبنان تبدیل نمود.

(ب) تغییر معادلات نظامی و استراتژیک در منطقه

حزب‌الله با استفاده از استراتژی‌ها و تاکتیک‌های نظامی مؤثر، توانست معادلات نظامی منطقه را تغییر دهد و نوعی بازدارندگی در برابر اسرائیل ایجاد کند. این امر موجب شد که اسرائیل به طور محتاطانه‌تری با لبنان برخورد کند و هزینه‌های احتمالی درگیری با حزب‌الله را در نظر بگیرد. توانایی حزب‌الله در ایجاد تهدیدی جدی و موثر برای اسرائیل، باعث شد که این گروه به عنوان یک نیروی بازدارنده در برابر حملات نظامی اسرائیل در منطقه شناخته شود. تحولات اخیر و هدف قرارگرفتن اکثر فرماندهان و نیروهای نخبه حزب‌الله این موازنه را در حال حاضر، برهم زده است.

(ج) افزایش تنش‌های داخلی لبنان

با وجود حمایت بخش بزرگی از جامعه شیعه و سایر حامیان حزب‌الله در لبنان، برخی از گروه‌ها و احزاب لبنانی با سیاست‌ها و فعالیت‌های نظامی حزب‌الله مخالفت دارند. این گروه‌ها معتقدند که حزب‌الله با نگه داشتن تسلیحات خود و فعالیت‌های نظامی، استقلال لبنان را به خطر می‌اندازد و این کشور را وارد تنش‌های منطقه‌ای می‌کند. این اختلافات باعث شده که حزب‌الله بارها با فشارهای داخلی و درخواست‌ها برای خلع سلاح مواجه شود، اما این گروه تا پیش از وقایع اخیر توانسته بود با تأکید بر نقش مقاومت در برابر اسرائیل، جایگاه نظامی خود را حفظ کند.

(د) تأثیر بر روابط لبنان و اسرائیل

حضور و قدرت نظامی حزب‌الله مانعی بزرگ در برابر هرگونه روابط رسمی و مسالمت‌آمیز بین لبنان و اسرائیل بوده است. در واقع، اسرائیل حزب‌الله را به عنوان تهدیدی استراتژیک و امنیتی در مرزهای شمالی خود می‌بیند و لبنان را به دلیل حضور و قدرت حزب‌الله تهدیدی بالقوه تلقی می‌کند. در نتیجه، تا زمانی که حزب‌الله به عنوان یک نیروی نظامی قدرتمند در لبنان حضور دارد، احتمال شکل‌گیری روابط رسمی یا آتش‌بس پایدار بین دو کشور ضعیف است.

تبلیغات رسانه‌ای

حزب‌الله و حسن نصرالله با آگاهی از اهمیت رسانه و پروپاگاندا در جلب حمایت مردمی و تقویت تصویر مقاومت، از رسانه‌ها به شکلی استراتژیک و منسجم استفاده کرده‌اند. این استفاده از رسانه‌ها نه تنها برای جلب حمایت داخلی در لبنان، بلکه برای ایجاد پایگاه‌های حامی در منطقه و در جهان عرب نیز بوده است. رسانه‌ها به حزب‌الله کمک کرده‌اند تا به عنوان نماد مقاومت در برابر اسرائیل شناخته شود و از این طریق نفوذ و مشروعیت خود را در بین جوامع مختلف تقویت کند.

۱. ابزارها و استراتژی‌های رسانه‌ای حزب‌الله

(الف) شبکه تلویزیونی المنار

شبکه المنار یکی از مهم‌ترین ابزارهای رسانه‌ای حزب‌الله است که در سال ۱۹۹۱ تأسیس شد. این شبکه به عنوان رسانه رسمی حزب‌الله، از ابتدا به پخش اخبار و برنامه‌هایی در راستای تقویت ایدئولوژی مقاومت پرداخته است. المنار با پوشش جنگ‌ها، عملیات‌های نظامی، و پیروزی‌های حزب‌الله علیه اسرائیل، تصویری مثبت از مقاومت ارائه کرده است. برنامه‌های المنار شامل برنامه‌های مستند، اخبار زنده، مصاحبه‌های اختصاصی، و تحلیل‌های سیاسی است که همگی با هدف جلب حمایت عمومی و ایجاد احساس غرور ملی تهیه می‌شوند.

(ب) سخنرانی‌های حسن نصرالله

حسن نصرالله با سخنرانی‌های منظم و جذاب خود از طریق رسانه‌ها، نقش مهمی در ایجاد ارتباط مستقیم با مردم و حامیان حزب‌الله داشت. او با استفاده از سخنرانی‌های خود، پیام‌های واضحی به مخاطبان خود می‌رساند. این سخنرانی‌ها که به شکل گسترده از طریق المنار و سایر شبکه‌های خبری پوشش داده می‌شود، به ابزاری قدرتمند برای ارتباط‌گیری نصرالله با جامعه لبنانی و جهان عرب تبدیل شده بود. لحن نصرالله در این سخنرانی‌ها معمولاً جدی و صمیمی بود و همین باعث شده بود که بتواند به خوبی اعتماد و همدلی مخاطبان را جلب کند.

(ج) بهره‌گیری از رسانه‌های اجتماعی

در دهه‌های اخیر، حزب‌الله و نصرالله با درک اهمیت رسانه‌های اجتماعی، از این پلتفرم‌ها برای نشر پیام‌های خود و ارتباط مستقیم با نسل جوان بهره برده‌اند. در پلتفرم‌های مختلفی مانند توئیتر، فیسبوک، اینستاگرام، حساب‌های رسمی و طرفداران حزب‌الله به نشر اخبار، تصاویر و پیام‌های نصرالله و فعالیت‌های حزب‌الله می‌پردازند. این رویکرد به حزب‌الله امکان داده است تا پیام‌های خود را به سرعت و گسترده‌تری در جهان عرب و حتی فراتر از آن منتشر کند.

(د) استفاده از سمبل‌ها و نمادهای فرهنگی

حزبالله با ایجاد نمادها و سمبل‌های فرهنگی، تلاش کرده است که ارزش‌های خود را به صورت عمیق‌تری در میان مردم نفوذ دهد. تصاویری از شهدای مقاومت، پرچم حزب‌الله، و نمادهای مذهبی شیعی به وفور در رسانه‌ها و تبلیغات حزب‌الله دیده می‌شود. این نمادها به نوعی برای ایجاد حس اتحاد و همبستگی بین مردم طراحی شده‌اند و به ایجاد یک هویت مشترک بین طرفداران حزب‌الله کمک می‌کنند.

۲. محتوای پیام‌ها و اهداف پروپاگاندا

الف) تأکید بر مقاومت و مبارزه با اسرائیل
یکی از محورهای اصلی پروپاگاندا و پیام‌های رسانه‌ای حزب‌الله و نصرالله، تأکید بر مقاومت و مبارزه علیه اسرائیل بوده است. رسانه‌های حزب‌الله، اسرائیل را به عنوان نیروی متجاوز و اشغالگر معرفی می‌کنند و پیروزی‌های حزب‌الله را در جنگ‌ها و عملیات‌های مختلف به عنوان دستاوردی بزرگ در برابر اسرائیل مطرح می‌کنند. این تأکید بر مقاومت باعث شده که حزب‌الله به نمادی از ایستادگی و پایداری در برابر قدرت‌های خارجی تبدیل شود.

ب) تبلیغ ایدئولوژی اسلامی و شیعی
حزبالله به طور همزمان از رسانه‌ها برای انتشار ارزش‌های اسلامی و شیعی استفاده می‌کند. این ایدئولوژی شامل تبلیغ مفاهیمی مانند شهادت، جهاد، و عدالت اجتماعی است که از آموزه‌های اسلامی شیعی بهره می‌گیرد. این محتوا به حزب‌الله کمک می‌کند که هویت اسلامی خود را تقویت کند و حمایت اقشار مذهبی جامعه، به ویژه شیعیان لبنان و منطقه را به دست آورد.

ج) ارائه خدمات اجتماعی و کمک‌های مردمی
یکی از تاکتیک‌های تبلیغاتی مهم حزب‌الله، نمایش کمک‌های اجتماعی و اقتصادی به اقشار ضعیف است. رسانه‌ها تصاویری از بیمارستان‌ها، مدارس، و مراکز رفاهی را که توسط حزب‌الله تأسیس شده‌اند نمایش می‌دهند تا حزب‌الله را به عنوان نیروی مردمی و حامی قشرهای مستضعف معرفی کنند. این فعالیت‌ها به حزب‌الله امکان داده که نه تنها به عنوان یک نیروی نظامی، بلکه به عنوان یک سازمان اجتماعی نیز شناخته شود.

د) بهره‌برداری از بحران‌ها و جنگ‌ها برای تقویت همبستگی
در زمان بحران‌ها و جنگ‌ها، حزب‌الله و نصرالله با انتشار پیام‌هایی که از طریق رسانه‌ها پخش می‌شود، سعی در ایجاد احساس همبستگی و اتحاد ملی دارند. به ویژه در دوران جنگ ۳۳ روزه، المنار و سایر رسانه‌های وابسته به حزب‌الله به صورت گسترده به پخش تصاویر و پیام‌های قهرمانی و استقامت نیروهای مقاومت پرداختند. این رویکرد

باعث شد که حمایت مردمی از حزب‌الله افزایش یابد و حزب به عنوان مدافع خاک لبنان در برابر تجاوز اسرائیل شناخته شود.

۳ تأثیر رسانه بر حمایت داخلی و خارجی

الف) تأثیر بر جامعه لبنان

استفاده حزب‌الله از رسانه‌ها و سازوکارهای تبلیغاتی، جایگاه اجتماعی و سیاسی حزب‌الله را در جامعه لبنان تقویت کرده است. این رسانه‌ها توانسته‌اند حمایت بخش بزرگی از شیعیان و حتی سایر گروه‌های قومی و مذهبی را جلب کنند، زیرا حزب‌الله خود را به عنوان مدافع امنیت و استقلال لبنان معرفی کرده است.

ب) تأثیر بر جهان عرب و اسلامی

تصاویر و پیام‌های مقاومت حزب‌الله در برابر اسرائیل، همواره مورد توجه جهان عرب و اسلامی بوده است. حزب‌الله با استفاده از رسانه‌ها، توانسته است در بین ملت‌های مسلمان و عرب، محبوبیت زیادی کسب کند و به عنوان نیرویی که در برابر قدرت‌های غربی و اسرائیل ایستادگی می‌کند شناخته شود. این محبوبیت موجب شده که حزب‌الله نه تنها در لبنان بلکه در کشورهای دیگر منطقه نیز حامیان زیادی بیابد؛ هرچند دشمنان و منتقدان زیادی نیز دارد.

ج) اثر بر تصویر بین‌المللی حزب‌الله

در سطح جهانی، رسانه‌های حزب‌الله و پیام‌های نصرالله به خوبی نشان داده‌اند که این گروه تنها به دنبال دفاع از منافع لبنان در برابر تجاوزات خارجی است. این رویکرد باعث شده است که بسیاری از مردم جهان حزب‌الله را نه به عنوان یک گروه شبه نظامی، بلکه به عنوان نیرویی مشروع و مقاوم در برابر تجاوزات خارجی بشناسند.

حزب الله در سیاست داخلی

حزب‌الله و حسن نصرالله نقش بسیار تأثیرگذاری در سیاست داخلی لبنان داشتند. این تأثیرگذاری از طریق چندین حوزه از جمله حضور در نهادهای حکومتی، ایجاد ائتلاف‌های سیاسی، و استفاده از قدرت نظامی و اجتماعی برای فشار بر سیاست‌های دولت صورت می‌گرفت. حزب‌الله توانسته بود به عنوان نیرویی تعیین‌کننده و باثبات در سیاست لبنان ظاهر شود و در مواقع بحران، به ویژه در برخورد با اسرائیل، قدرت خود را به عنوان یک نیروی مقاومت مشروع تثبیت کند. برخی از اصلی‌ترین راه‌های تأثیرگذاری حزب‌الله بر سیاست داخلی لبنان عبارتند از:

۱. حضور در نهادهای حکومتی و سیاست‌گذاری

الف) مشارکت در پارلمان و کابینه دولت

حزبالله از سال ۱۹۹۲ وارد پارلمان لبنان شد و در سال‌های بعد نیز توانست به یکی از اصلی‌ترین احزاب سیاسی لبنان تبدیل شود. این حضور به حزبالله امکان داد که از طریق قانونی و دموکراتیک در تصمیم‌گیری‌های ملی شرکت‌کند و نقش مؤثری در سیاست‌گذاری‌ها ایفا نماید. همچنین حزبالله چندین نماینده در کابینه دولت دارد که این امر به آن‌ها قدرت تأثیرگذاری بر سیاست‌های اجرایی و تصمیم‌گیری‌های کلان را می‌دهد.

ب) ائتلاف با سایر گروه‌های سیاسی
حزبالله توانسته است با گروه‌ها و احزاب دیگر، به ویژه احزاب شیعه و برخی گروه‌های مسیحی، ائتلاف‌های سیاسی قوی‌ای برقرار کند. یکی از مهم‌ترین ائتلاف‌های حزبالله، ائتلاف ۸ مارس است که شامل چندین گروه سیاسی و مذهبی دیگر نیز می‌شود. این ائتلاف به حزبالله کمک کرده تا با تشکیل جبهه‌ای متحد، قدرت سیاسی بیشتری در برابر ائتلاف‌های رقیب مانند ائتلاف ۱۴ مارس کسب کند. این توانایی در ایجاد ائتلاف، حزبالله را به یکی از بازیگران اصلی و تأثیرگذار در سیاست داخلی لبنان تبدیل کرده است.

۲. استفاده از قدرت نظامی برای تأثیرگذاری بر سیاست داخلی

الف) تأمین امنیت جنوب لبنان
حزبالله با داشتن یک نیروی نظامی قدرتمند و سازمان‌یافته، نقش مهمی در تأمین امنیت مناطق جنوبی لبنان و مقابله با تهدیدات اسرائیل ایفا کرده‌است. این نقش امنیتی، حزبالله را به عنوان نیرویی مشروع و مورد حمایت مردم، به ویژه شیعیان جنوب لبنان، مطرح کرده‌است. دولت لبنان نیز با توجه به قدرت نظامی حزبالله و پایگاه مردمی آن، به نوعی این نقش را به حزبالله واگذار کرده بوده‌است که این موضوع باعث تقویت موقعیت سیاسی حزبالله در داخل کشور شده بود.

ب) مقاومت مسلحانه در برابر اسرائیل
حزبالله به عنوان مقاومت اصلی در برابر اسرائیل شناخته می‌شود و این جایگاه به حزبالله مشروعیت خاصی داده است. این گروه با توانایی نظامی و حضور خود در جبهه‌های جنگ، به عنوان یک نیروی نظامی مؤثر در برابر اسرائیل عمل کرده و در نتیجه توانسته است تأثیرگذاری قابل توجهی بر سیاست‌های امنیتی و دفاعی لبنان داشته باشد. این جایگاه باعث شده که حزبالله در تصمیم‌گیری‌های کلان امنیتی کشور به عنوان یک طرف اصلی در نظر گرفته شود.

ج) استفاده از تهدید قدرت نظامی در زمان بحران سیاسی
حزبالله از قدرت نظامی خود به عنوان ابزاری برای فشار بر سیاست

داخلی و حل بحران‌های سیاسی استفاده کرده‌است. برای مثال، در بحران سیاسی سال ۲۰۰۸، حزب‌الله با استفاده از قدرت نظامی و سازمان‌دهی راهپیمایی‌های گسترده، توانست دولت لبنان را وادار به تغییراتی در سیاست‌های خود کند. این نمایش قدرت نظامی در مواقع بحران، به حزب‌الله امکان می‌داد که به عنوان یک نیروی بازدارنده و تهدیدی برای رقبا عمل کند و به تأثیرگذاری خود در سیاست داخلی ادامه دهد.

۳. تأثیر اجتماعی و ارائه خدمات عمومی

الف) خدمات اجتماعی و رفاهی

حزب‌الله علاوه بر فعالیتهای نظامی و سیاسی، در حوزه خدمات اجتماعی و رفاهی نیز نقش فعالی داشته‌است. این گروه به ایجاد بیمارستان‌ها، مدارس، مراکز آموزشی، و خدمات بهداشتی در مناطق فقیرنشین و به‌ویژه مناطق جنوبی لبنان پرداخته‌است. این خدمات نه تنها باعث محبوبیت بیشتر حزب‌الله شده، بلکه آن‌ها را به یکی از ستون‌های اجتماعی جامعه شیعه در لبنان تبدیل کرده‌بود. این نقش اجتماعی به حزب‌الله امکان می‌داد که به‌عنوان نیروی مردمی و حامی محرومان شناخته‌شود.

ب) تقویت پایگاه اجتماعی

از طریق حمایت‌های مردمی

حزب‌الله با تأمین خدمات و حمایت‌های مالی و رفاهی برای خانواده‌ها و اقشار ضعیف، تا این اواخر توانسته بود پایگاه اجتماعی نیرومندی در لبنان ایجاد کند. این حمایت‌ها باعث شده بود که حزب‌الله از طرف مردم به عنوان نیروی حامی شناخته‌شود و این پایگاه اجتماعی به‌ویژه در میان شیعیان لبنان، به تأثیرگذاری بیشتر این گروه در سیاست داخلی کمک کرده بود.

۴. نقش رسانه و پروپاگاندا در تأثیرگذاری سیاسی

الف) تبلیغ ایدئولوژی مقاومت و استقامت

حزب‌الله و شخص نصرالله با استفاده از رسانه‌های خود، از جمله شبکه تلویزیونی المنار، به تبلیغ ایدئولوژی مقاومت و استقامت در برابر اسرائیل و قدرتهای خارجی می‌پرداختند. این پیام‌ها باعث شده که حزب‌الله به‌عنوان یک نماد مقاومت و استقامت در لبنان شناخته‌شود و حمایت بیشتری از طرف مردم کسب‌کند. حزب‌الله با استفاده از این تبلیغات، می‌کوشید حمایت داخلی و خارجی را تقویت کرده و بر سیاست داخلی لبنان تأثیر بگذارد.

ب) استفاده از سخنرانی‌های نصرالله برای ارتباط با مردم

حسن نصرالله با استفاده از سخنرانی‌های منظم و پرمحتوای خود، به‌طور مستقیم با مردم لبنان و حامیان خود ارتباط برقرار می‌کرد.

او با استفاده از این سخنرانی‌ها، دیدگاه‌های حزب‌الله را درباره مسائل مختلف سیاسی، اجتماعی و امنیتی بیان و همچنین از این طریق به سیاستمداران و احزاب رقیب پیام‌های خود را منتقل می‌کرد. این سخنرانی‌ها به نصرالله امکان می‌داد که به عنوان یک رهبر پرنفوذ و دارای مشروعیت مردمی شناخته شود.

۵. تأثیر بر روابط و سیاست‌های خارجی لبنان (الف) روابط با ایران و سوریه

حزب‌الله از روابط نزدیک خود با ایران و سوریه به عنوان ابزاری برای تقویت نفوذ خود در سیاست داخلی لبنان استفاده می‌کند. این ارتباطات به حزب‌الله امکان دسترسی به منابع مالی و نظامی بیشتر را می‌دهد و به عنوان نیروی نزدیک به محور مقاومت در برابر اسرائیل و کشورهای غربی شناخته می‌شود. این روابط خارجی بر سیاست‌های داخلی لبنان نیز تأثیر گذاشته و حزب‌الله را به عنوان نیروی اثرگذار در تعیین جهت‌گیری‌های سیاسی کشور مطرح کرده است.

(ب) تضعیف نفوذ آمریکا و غرب در لبنان

حزب‌الله با تبلیغ ایدئولوژی ضد غربی و ضد آمریکایی، توانسته است در بین برخی از گروه‌ها و اقشار لبنانی از حمایت بیشتری برخوردار شود. این گروه با ایجاد فضایی مقاومت محور در برابر نفوذ آمریکا و سایر کشورهای غربی، توانسته است برخی از سیاست‌های داخلی لبنان را تحت تأثیر قرار دهد و مانع از نزدیکی بیش از حد این کشور به غرب شود.

ائتلاف‌های حزب‌الله با گروه‌های دیگر در لبنان

حزب‌الله به عنوان یکی از اصلی‌ترین نیروهای سیاسی در لبنان، در ائتلاف‌های سیاسی و اختلافات با گروه‌های دیگر نقش محوری داشته است. پیوستگی‌ها و اختلافات این حزب همواره نقشی اساسی در تشکیل دولت‌ها و تعیین مسیر سیاست لبنان ایفا کرده‌اند. حزب‌الله با ائتلاف‌هایی از جمله ائتلاف ۸ مارس، در پی تقویت نفوذ سیاسی خود و ایجاد پایگاه اجتماعی وسیع‌تر بوده، در حالی که اختلافات جدی با ائتلاف‌های مخالف مانند ائتلاف ۱۴ مارس و برخی از احزاب مستقل به‌ویژه پس از ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر پیشین لبنان، همچنان به چشم می‌خورد.

۱. ائتلاف‌های اصلی حزب‌الله

(الف) ائتلاف ۸ مارس

ائتلاف ۸ مارس یکی از مهم‌ترین و مستحکم‌ترین ائتلاف‌های سیاسی لبنان است که از سال ۲۰۰۵ شکل گرفت و حزب‌الله یکی از پایه‌های اصلی آن است. این ائتلاف شامل احزاب و گروه‌هایی است که عموماً روابط

نزدیکی با سوریه و ایران دارند و به نوعی از محور مقاومت حمایت می‌کنند. حزب‌الله در این ائتلاف با احزاب زیر همکاری می‌کند:

۱ جنبش امل به رهبری نبیه بری، رئیس مجلس لبنان، که یکی از متحدان سنتی حزب‌الله است و پایگاه مردمی قوی در میان شیعیان دارد.

۲ حزب ملی آزاد، به رهبری میشل عون (رئیس‌جمهور پیشین لبنان)، که از احزاب مسیحی مهم است و تا حدودی با سیاست‌های حزب‌الله در مقابل غرب همراهی دارد.

۳ احزاب چپ‌گرا و ملی‌گرا، مانند حزب سوریه قومی اجتماعی و حزب بعث، که ایدئولوژی‌هایی نزدیک به محور مقاومت دارند و از نفوذ غرب در لبنان انتقاد می‌کنند.

این ائتلاف به حزب‌الله اجازه داده تا به‌عنوان نیروی متحد و مستحکم در عرصه سیاست داخلی لبنان ظاهر شود و در فرآیندهای سیاسی کشور، مانند تشکیل کابینه، نقش تأثیرگذاری داشته باشد.

(ب) ائتلاف‌های اجتماعی و مذهبی

حزب‌الله علاوه بر ائتلاف‌های رسمی سیاسی، در سطح اجتماعی نیز با شخصیت‌ها و گروه‌های مذهبی و اجتماعی شیعی در جنوب لبنان و حومه جنوبی بیروت ارتباط و ائتلاف‌هایی ایجاد کرده است. این ائتلاف‌های اجتماعی به حزب‌الله امکان داده است که نفوذ و پایگاه مردمی قوی‌تری در مناطق شیعه‌نشین داشته باشد و حمایت مردمی بیشتری کسب کند.

۲. نقش حزب‌الله در تشکیل دولت‌ها

(الف) تأثیرگذاری بر کابینه‌ها و تشکیل دولت

حزب‌الله به دلیل نفوذ گسترده سیاسی و نظامی خود، همواره یکی از نیروهای اصلی در تشکیل دولت‌ها و تعیین نخست‌وزیر بوده است. این گروه از طریق ائتلاف‌های سیاسی خود، به‌ویژه ائتلاف ۸ مارس، توانسته است در شکل‌دهی به کابینه‌ها و سیاست‌های دولت تأثیرگذار باشد. این تأثیرگذاری به حزب‌الله امکان داده است که سیاست‌های کلان کشور را به نفع خود جهت‌دهی کند و نفوذ محور مقاومت را در لبنان حفظ کند. برای مثال، در سال ۲۰۱۱ حزب‌الله و متحدانش موفق شدند با حمایت برخی از وزرا و پارلمان، سعد حریری، نخست‌وزیر وقت، را به دلیل اختلافات سیاسی برکنار کنند و نجیب میقاتی را به جای او به‌عنوان نخست‌وزیر معرفی کنند. این تغییر قدرت نشان‌دهنده توانایی حزب‌الله در تأثیرگذاری مستقیم بر تصمیمات و سمت‌های کلان حکومتی است.

(ب) بحران‌های سیاسی و جلوگیری از خلاء قدرت

در مواقع بحرانی، حزب‌الله به‌عنوان نیروی تعیین‌کننده وارد عمل

می‌شود و از ایجاد خلاء قدرت جلوگیری می‌کند. برای مثال، در بحران سیاسی سال ۲۰۱۹ و اعتراضات مردمی، حزب‌الله نقش مهمی در حفظ ثبات کشور داشت. حسن نصرالله در سخنرانی‌های خود از دولت و نظام سیاسی حمایت کرد و با تأکید بر حفظ ثبات، به نوعی مانع از فروپاشی دولت شد.

۳. اختلافات سیاسی حزب‌الله با گروه‌های دیگر

الف) ائتلاف ۱۴ مارس و اختلافات اساسی

ائتلاف ۱۴ مارس به عنوان رقیب اصلی ائتلاف ۸ مارس، با محوریت سعد حریری و حامیان غربی و سعودی، به شدت با سیاست‌ها و ایدئولوژی حزب‌الله مخالف است. این ائتلاف که در پی ترور رفیق حریری، نخست‌وزیر وقت، در سال ۲۰۰۵ شکل گرفت، خواهان کاهش نفوذ حزب‌الله و محور مقاومت در سیاست داخلی لبنان است و با روابط حزب‌الله با ایران و سوریه مخالف است.

ائتلاف ۱۴ مارس معتقد است که قدرت نظامی حزب‌الله مانع از استقرار یک دولت مستقل و غیرنظامی در لبنان می‌شود. آن‌ها خواهان خلع سلاح حزب‌الله هستند و معتقدند که حضور نظامی این گروه در لبنان، امنیت و ثبات کشور را به خطر می‌اندازد. اختلافات ایدئولوژیکی و منافع استراتژیک مختلف، باعث شده که این دو ائتلاف به‌طور مداوم در عرصه سیاست داخلی لبنان با یکدیگر در تضاد باشند.

ب) اختلافات با حزب نیروهای لبنانی

حزب نیروهای لبنانی به رهبری سمیر جعجع نیز یکی از منتقدان اصلی حزب‌الله بوده‌است. نیروهای لبنانی به عنوان یک حزب مسیحی و ملی‌گرا، مخالف ایدئولوژی مقاومت حزب‌الله و سیاست‌های ایران و سوریه بوده‌است. سمیر جعجع بارها خواستار خلع سلاح حزب‌الله شده و معتقد است که تنها ارتش لبنان باید مسئولیت امنیت کشور را بر عهده داشته باشد.

۴. بحران‌های سیاسی و بن‌بست‌های دولت

حزب‌الله و ائتلاف‌های آن در مواقعی باعث ایجاد بن‌بست‌های سیاسی در دولت لبنان شده‌است. برای مثال، در سال‌های اخیر بحران‌های مختلفی به دلیل اختلافات عمیق سیاسی بین حزب‌الله و گروه‌های مخالف، به ویژه ائتلاف ۱۴ مارس، به وجود آمده‌بوده‌است. این اختلافات باعث شده که روند تشکیل دولت یا اجرای سیاست‌های کلان به کندی پیش رود و یا حتی متوقف شود.

۵. رویکرد حزب‌الله در مواجهه با اختلافات سیاسی

الف) مصالحه و مذاکره

حزبالله در مواقع بحران، رویکرد مصالحه را در پیش می‌گیرد و تلاش می‌کند از طریق مذاکره و گفت‌وگو به توافق برسد. حسن نصرالله در بسیاری از سخنرانی‌های خود به لزوم وحدت ملی و اجتناب از درگیری‌های داخلی اشاره کرده و از همه گروه‌های سیاسی دعوت به همکاری کرده است. این رویکرد کمک کرده تا حزب‌الله بتواند از بحران‌های سیاسی به‌نحو سازنده‌تری عبور کند و به جای تشدید درگیری‌ها، به دنبال مصالحه باشد.

ب) استفاده از قدرت رسانه‌ای
حزبالله از طریق رسانه‌ها، از جمله شبکه المنار، دیدگاه‌های خود را مطرح کرده و در برابر انتقادات گروه‌های مخالف از خود دفاع می‌کند. این رسانه‌ها با پوشش گسترده فعالیت‌های حزب‌الله و پخش سخنرانی‌های نصرالله، به حزب کمک می‌کنند تا حمایت‌های داخلی و منطقه‌ای را به دست آورد و تأثیر رسانه‌ای بر سیاست داخلی لبنان داشته باشد.

بررسی موضع‌گیری‌های نصرالله در برابر تحولات مهم سال‌های اخیر در سال‌های اخیر، لبنان با بحران‌های اقتصادی و سیاسی جدی و تظاهرات مردمی گسترده‌ای مواجه بوده که نقش و واکنش‌های حسن نصرالله و حزب‌الله در این بحران‌ها قابل توجه است. موضع‌گیری‌های نصرالله در برابر این تحولات مهم شامل حمایت از ثبات سیاسی، دعوت به آرامش و تأکید بر نقش حزب‌الله در مواجهه با چالش‌های خارجی و داخلی است. این موضع‌گیری‌ها بیانگر تلاش نصرالله برای حفظ نفوذ حزب‌الله و جلب حمایت مردمی در میان بحران‌های پدیداری لبنان بوده است.

۱. بحران اقتصادی و موضع حزب‌الله
الف) نگاه به بحران اقتصادی و علل آن
بحران اقتصادی لبنان از سال ۲۰۱۹ شدت گرفت و به تورم بالا، کاهش ارزش لیر لبنان، و از دست رفتن دسترسی به کالاهای اساسی انجامید. نصرالله در سخنرانی‌های خود بارها به این بحران اقتصادی اشاره کرده و مسؤولیت اصلی آن را به «سوءمدیریت دولت‌ها و فساد سیستماتیک» نسبت داده است. او با انتقاد از سیستم مالی و اقتصادی کشور، تأکید کرده است که حزب‌الله همواره به دنبال رفاه و عدالت اجتماعی بوده و برنامه‌هایی برای حمایت از مردم دارد.

ب) پیشنهاد راهکارهای جایگزین اقتصادی
نصرالله به منظور کاهش وابستگی لبنان به دلار و ایجاد تعادل در اقتصاد، پیشنهادهایی برای توسعه روابط اقتصادی با کشورهای شرقی مانند چین، ایران و سوریه ارائه کرده است. او معتقد است که لبنان

می‌تواند با تقویت روابط اقتصادی با این کشورها، تا حدودی از بحران اقتصادی عبور کند. این پیشنهادها از سوی برخی از احزاب داخلی و جامعه لبنان با استقبال مواجه شد اما با توجه به فشارهای خارجی و تحریم‌ها، اجرای آن‌ها با چالش‌های بزرگی روبه‌رو شده است.

۲. تظاهرات مردمی ۲۰۱۹ و موضع‌گیری حزب‌الله

(الف) حمایت از تظاهرات مسالمت‌آمیز در اکتبر ۲۰۱۹، اعتراضات گسترده‌ای در لبنان به دلیل مشکلات اقتصادی، فساد، و نبود خدمات عمومی آغاز شد. نصرالله در نخستین موضع‌گیری‌های خود اعلام کرد که حزب‌الله از تظاهرات مسالمت‌آمیز و مطالبات مشروع مردم حمایت می‌کند. او تاکید کرد که مردم حق دارند نسبت به فساد و مشکلات اقتصادی اعتراض کنند، اما این اعتراضات نباید منجر به بی‌ثباتی کشور شود.

(ب) هشدار در برابر خطر فروپاشی سیاسی با ادامه و گسترش تظاهرات، نصرالله هشدار داد که سقوط دولت و فروپاشی سیاسی می‌تواند لبنان را با خطرات بزرگتری مواجه کند. او نسبت به دخالت‌های خارجی در این تظاهرات هشدار داد و گفت که برخی گروه‌ها و کشورها به دنبال سوءاستفاده از نارضایتی‌های مردم برای تضعیف لبنان و ایجاد بی‌ثباتی هستند. نصرالله با این رویکرد تلاش کرد میان مردم و دولت توازنی ایجاد کند و از تشدید بحران سیاسی جلوگیری کند.

(ج) موضع‌گیری در برابر استعفای سعد حریری پس از فشارهای زیاد و اعتراضات مردمی، سعد حریری، نخست‌وزیر وقت لبنان، استعفا داد. نصرالله با انتقاد از این استعفا، اعلام کرد که چنین اقداماتی بدون برنامه‌ای برای آینده می‌تواند به خلاء قدرت و تشدید بحران بیانجامد. او تاکید کرد که لبنان در شرایط فعلی نیاز به ثبات و وحدت دارد و استعفای نخست‌وزیر می‌تواند اوضاع را پیچیده‌تر کند.

۳. انفجار بندر بیروت و واکنش نصرالله

در اوت ۲۰۲۰، انفجار مهیبی در بندر بیروت رخ داد که به کشته و زخمی شدن صدها نفر و تخریب گسترده‌ای در بیروت منجر شد. این حادثه به شدت بر لبنان تاثیر گذاشت و موجی از اعتراضات مردمی و انتقادات به سوءمدیریت و فساد دولتی را به همراه داشت.

(الف) رد هرگونه دخالت حزب‌الله در انفجار نصرالله در پی این حادثه هرگونه دخالت حزب‌الله در انفجار را به شکل قوی تکذیب کرد و گفت که حزب‌الله هیچ ارتباطی با مواد نیترات آمونیوم در بندر بیروت ندارد. او همچنین تاکید کرد که حزب‌الله

خواستار یک تحقیق شفاف و مستقل درباره حادثه است و از مقامات لبنانی و بین‌المللی خواست که به این پرونده رسیدگی کنند.

ب) حمایت از رسیدگی قضایی منصفانه
حزبالله از رسیدگی قضایی به این حادثه حمایت کرد، اما از روند تحقیقات و برخی از اتهامات علیه اعضای حزب و نزدیکان آن انتقاد کرد. نصرالله معتقد بود که برخی جناح‌ها و رسانه‌های داخلی و خارجی از این حادثه برای تضعیف حزبالله استفاده می‌کنند و خواستار یک تحقیق بی‌طرفانه و دور از فشارهای سیاسی شد.

۴. انتخابات و مسائل سیاسی اخیر
الف) موضع‌گیری نسبت به انتخابات پارلمانی
نصرالله در موضع‌گیری‌های خود نسبت به انتخابات پارلمانی بر اهمیت حضور گسترده مردم و حمایت از حزبالله و متحدانش در انتخابات تاکید کرده است. حزبالله به دنبال کسب جایگاه‌های بیشتری در پارلمان و کابینه لبنان است و نصرالله با تاکید بر «وحدت ملی» و «مقاومت»، مردم را به حمایت از ائتلاف ۸ مارس و حضور در انتخابات فراخوانده است.

ب) تلاش برای کاهش تنش‌های داخلی
نصرالله بارها تاکید کرده که لبنان در شرایط بحرانی و خطرناک قرار دارد و از همه گروه‌های سیاسی خواسته تا اختلافات خود را کنار بگذارند و برای حل مشکلات کشور به توافق برسند. او با دعوت به وحدت و همکاری، تلاش کرده تا حزبالله به عنوان نیروی برای ثبات و امنیت در لبنان شناخته شود.

۱. روابط حزبالله با جمهوری اسلامی ایران
روابط حزبالله با جمهوری اسلامی ایران و سوریه به عنوان یکی از مهم‌ترین و پیچیده‌ترین جنبه‌های سیاست خارجی و داخلی این گروه شناخته می‌شود. روابط نزدیک با ایران و سوریه نقش اساسی در شکل‌گیری هویت سیاسی و نظامی این حزب ایفا کرده است. این روابط نه تنها در تقویت ساختار داخلی حزبالله موثر بوده، بلکه تأثیر زیادی بر تحولات سیاسی، اقتصادی، و امنیتی منطقه به ویژه در لبنان، سوریه، و حتی درگیری‌های گسترده‌تر در منطقه خاورمیانه گذاشته است. شکل و محتوای این رابطه را در محورهای زیر می‌توان خلاصه کرد.

الف) حمایت ایدئولوژیک و مذهبی
حزبالله از ابتدا بر پایه ایدئولوژی شیعه و الهام‌گیری از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفت. آیت‌الله روح‌الله موسوی خمینی، بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، و اصول انقلاب اسلامی ایران به‌ویژه تاکید بر

«ولایت فقیه» و «مقاومت اسلامی»، نقش محوری در شکل‌گیری اهداف حزب‌الله داشتند. حزب‌الله از نظر ایدئولوژیک هم‌راستا با جمهوری اسلامی ایران بوده است و در این راستا، جمهوری اسلامی به عنوان یک مدل انقلابی شیعی، الگویی برای حزب‌الله و دیگر گروه‌های مقاومتی در منطقه به شمار می‌رود.

(ب) حمایت مالی و تسلیحاتی

یکی از ابعاد مهم روابط حزب‌الله با جمهوری اسلامی ایران، حمایت‌های مالی و نظامی گسترده‌ای است که ایران از حزب‌الله به عمل آورده است. ایران به ویژه از زمان آغاز فعالیت‌های حزب‌الله در اوایل دهه ۱۹۸۰، از طریق سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و به طور خاص واحد قدس، کمک‌های تسلیحاتی، آموزشی و مالی به حزب‌الله ارائه کرده است. این کمک‌ها شامل موشک‌های پیشرفته، تجهیزات نظامی، سلاح‌های سبک و سنگین، و آموزش نظامی بوده است. ایران همچنین در ارائه پناهگاه‌های امن، آموزش‌های فنی و مشاوره‌های استراتژیک به حزب‌الله نقش داشته است.

(ج) نقشی در محور مقاومت

حزب‌الله به عنوان یکی از ارکان محور مقاومت که شامل ایران، سوریه، حزب‌الله و دیگر گروه‌های شیعه و سنی مخالف اسرائیل است، به دنبال مبارزه با اسرائیل و جلوگیری از نفوذ غرب در منطقه است. ایران به طور مداوم حزب‌الله را به عنوان یکی از نقاط قوت در جبهه مقاومت در برابر اسرائیل حمایت کرده است. این ارتباط استراتژیک به حزب‌الله این امکان را داده که به یک نیروی نظامی قدرتمند در جنوب لبنان تبدیل شود و توانایی‌های خود را در مقابله با اسرائیل به طور چشمگیری تقویت کند.

(د) حمایت سیاسی و دیپلماتیک

ایران همچنین از حزب‌الله در عرصه سیاسی و دیپلماتیک حمایت کرده است. ایران در اجلاس‌های بین‌المللی و در مجامع مختلف، همواره از حزب‌الله حمایت کرده و آن را به عنوان یک گروه مقاوم و مستقل در لبنان به جهان معرفی کرده است. این حمایت‌ها شامل حق مقاومت مردم لبنان در برابر اشغالگری اسرائیل و همچنین تکیه بر مقاومت اسلامی برای آزادسازی سرزمین‌های اشغالی می‌شود.

۲. روابط حزب‌الله با سوریه

(الف) حمایت راهبردی و امنیتی

سوریه یکی دیگر از متحدان مهم حزب‌الله در منطقه بود. روابط حزب‌الله با سوریه از اوایل تأسیس این گروه، به ویژه در زمان حکومت حافظ اسد، به عنوان یک محور اساسی برای حزب‌الله در برابر تهدیدات خارجی، به ویژه اسرائیل، محسوب می‌شد. سوریه به حزب‌الله کمک کرده

تا در مناطق شیعه‌نشین لبنان به ساختار نظامی و پشتیبانی از این گروه دست یابد. سوریه به عنوان یک مقرر امن برای حزب‌الله عمل کرده‌است و حزب‌الله توانسته‌است از طریق سوریه به سلاح‌های پیشرفته دست یابد و آموزش‌های نظامی لازم را در این کشور ببیند. این همکاری به حزب‌الله اجازه داده است که از طریق سوریه به حمایت‌های ایران دسترسی داشته باشد و به نوعی یک شبکه منطقه‌ای برای پشتیبانی از خود بسازد.

(ب) مسیر ترانزیت سلاح و کمک‌ها

سوریه به عنوان مسیر ترانزیت برای سلاح‌ها و کمک‌های ایران به حزب‌الله در لبنان عمل کرده است. از طریق مرزهای سوریه، ایران توانسته است سلاح‌های خود را به حزب‌الله ارسال کند. این مسیر ترانزیتی از جمله راه‌های اصلی حمایت ایران از حزب‌الله در جنگ‌ها و درگیری‌های مختلف بوده است. به ویژه در دوران جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ میان حزب‌الله و اسرائیل، حمایت سوریه و ایران از حزب‌الله، از لحاظ نظامی و مالی، اهمیت زیادی داشت.

(ج) حمایت سیاسی و دیپلماتیک در عرصه منطقه‌ای

سوریه همچنین به عنوان یک حامی سیاسی حزب‌الله در مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی عمل کرده است. سوریه همواره از حزب‌الله در زمینه‌های دیپلماتیک حمایت کرده و از این گروه در برابر فشارهای بین‌المللی، به ویژه از سوی غرب و اسرائیل، دفاع کرده است. روابط نزدیک با سوریه، به حزب‌الله این امکان را داده تا در موضوعاتی چون بحران‌های منطقه‌ای و درگیری‌های نظامی در لبنان و سوریه، حضور و تاثیرگذاری خود را حفظ کند.

(د) همکاری در جنگ داخلی سوریه

در سال‌های اخیر، با آغاز جنگ داخلی سوریه، حزب‌الله به عنوان یک حامی مهم برای دولت بشار اسد وارد جنگ داخلی سوریه شد. حضور حزب‌الله در سوریه با هدف مقابله با گروه‌های شورشی و تکفیری مانند داعش و جبهه النصره بود که تهدیدی جدی برای حکومت اسد و محور مقاومت به شمار می‌رفتند. حزب‌الله در کنار ارتش سوریه و ایران به مبارزه با این گروه‌ها پرداخت و در نهایت در تثبیت موقعیت بشار اسد در کشور نقش اساسی ایفا کرد.

۳. نقش حمایتی ایران و سوریه در جنگ‌ها

(الف) جنگ ۲۰۰۰ و آزادی جنوب لبنان

پس از پایان جنگ ۱۵ ساله لبنان و خروج اسرائیل از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰، حزب‌الله به عنوان یک پیروزی بزرگ برای مقاومت شیعی شناخته شد. در این پیروزی، ایران و سوریه نقش بسیار مهمی در

تقویت بنیه نظامی و معنوی حزب‌الله داشتند. حمایت‌های ایران از طریق تأمین سلاح‌ها و پشتیبانی مالی، و نیز حمایت‌های سیاسی سوریه از حزب‌الله، در این پیروزی بی‌تأثیر نبود.

(ب) جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶

در جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ بین حزب‌الله و اسرائیل، حمایت‌های نظامی و لجستیکی ایران و سوریه برای حزب‌الله به اوج خود رسید. ایران به‌ویژه از طریق ارسال موشک‌های پیشرفته و تسلیحات سنگین به حزب‌الله، توانست قدرت نظامی این گروه را در مقابل اسرائیل تقویت کند. سوریه نیز به عنوان یک پناهگاه امن برای حزب‌الله در دوران جنگ و مسیر ترانزیتی برای ارسال تجهیزات و سلاح به گروه‌های مقاومت نقش ایفا کرد.

نقش حزب‌الله و نصرالله در معادلات سیاسی و نظامی منطقه حزب‌الله و حسن نصرالله به عنوان یکی از بازیگران اصلی در سیاست و امنیت خاورمیانه، در سال‌های اخیر نقش مهمی در معادلات سیاسی و نظامی منطقه‌ای ایفا کرده‌اند. این گروه به ویژه در کشورهای عراق، سوریه و یمن حضور برجسته‌ای داشته و از طریق حمایت‌های نظامی، سیاسی و ایدئولوژیک، تأثیرات عمیقی بر تحولات داخلی این کشورها گذاشته است. روابط حزب‌الله با ایران و سوریه به این گروه قدرت و منابع لازم را برای مداخله در این کشورها فراهم کرده است.

۱. نقش حزب‌الله در سوریه

الف) حمایت از دولت بشار اسد

در جریان جنگ داخلی سوریه که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، حزب‌الله به عنوان یکی از اولین گروه‌های خارجی که وارد درگیری شد، از دولت بشار اسد حمایت کرد. حزب‌الله به درخواست دولت سوریه، به عنوان نیروی حمایتی وارد شد تا به ارتش سوریه در مقابله با گروه‌های مخالف، از جمله جبهه النصره (شاخه القاعده در سوریه) و داعش، کمک کند. در این جنگ، حزب‌الله نقش محور مقاومت را ایفا کرد و از طریق مشارکت در عملیات‌های نظامی مختلف، از جمله بازیابی مناطق استراتژیک در استان‌های حمص، حلب، و درعا، توانست به حفظ دولت اسد کمک کند. حضور حزب‌الله در سوریه نه تنها برای حفظ رژیم بشار اسد حیاتی بود، بلکه موجب تقویت ارتباطات میان محور مقاومت، شامل ایران، حزب‌الله، سوریه و گروه‌های شیعه عراقی شد. حزب‌الله با حضور در سوریه به عنوان یک نیروی مهم منطقه‌ای، تلاش کرد تا از نفوذ غرب و کشورهای عربی سنی در سوریه جلوگیری کند.

ب) تقویت محور مقاومت

حزبالله به عنوان یک عامل کلیدی در تقویت محور مقاومت در سوریه شناخته می‌شود. این گروه به ویژه در تقویت جبهه مقاومت اسلامی در برابر حملات گروه‌های تروریستی و همچنین در تقویت روابط میان ایران و سوریه نقش داشت. همکاری حزبالله با گروه‌های شیعه عراقی و نیروهای نظامی سوریه باعث ایجاد یک راهرو زمینی از ایران به لبنان از طریق سوریه شد که این ارتباطات نظامی و لجستیکی برای حزبالله و ایران اهمیت زیادی داشت.

ج) هزینه‌های انسانی و سیاسی

حضور حزبالله در سوریه باعث افزایش هزینه‌های انسانی و سیاسی برای این گروه شد. بسیاری از جنگجویان حزبالله در این جنگ کشته یا زخمی شدند و این امر باعث شد که انتقادات داخلی در لبنان به وجود آید. با این حال، نصرالله توانست با تأکید بر مبارزه برای حفاظت از لبنان و مقابله با تهدیدات تکفیری‌ها، این حضور را توجیه کند.

۲. نقش حزبالله در عراق

الف) حمایت از گروه‌های شیعی عراقی

حزبالله در عراق نیز به عنوان یکی از حامیان گروه‌های شیعه فعال بوده است. ایران و حزبالله از زمان شروع جنگ علیه داعش در عراق، به حمایت از نیروهای شیعه مانند حشد الشعبی (نیروهای بسیج مردمی عراق) پرداختند. حزبالله و ایران کمک‌های نظامی و آموزشی به این گروه‌ها ارائه دادند و در عملیات‌های مشترک علیه داعش مشارکت کردند.

ب) تاثیرگذاری بر سیاست داخلی عراق

حزبالله از طریق حمایت از گروه‌های شیعی عراقی، به طور غیرمستقیم بر سیاست داخلی عراق تأثیرگذار بوده است. حشد الشعبی که بیشتر از گروه‌های شیعه تشکیل شده، به یک نیروی تاثیرگذار در عراق تبدیل شده است و بسیاری از اعضای آن، روابط نزدیک با حزبالله دارند. این نفوذ حزبالله و ایران در عراق به یکی از چالش‌های اساسی دولت مرکزی عراق تبدیل شده است، به ویژه با توجه به مخالفت‌های داخلی با حضور این گروه‌ها.

حزبالله به تقویت روابط میان گروه‌های شیعی عراق و ایران پرداخته و این همکاری‌ها موجب تقویت هویت شیعی و سیاست‌های مقاومت در عراق شده است. این نفوذ به نوبه خود تاثیر زیادی در تحولات سیاسی و امنیتی عراق داشت و منجر به افزایش تنش‌ها بین گروه‌های سنی و شیعی در این کشور شد.

۳. نقش حزبالله در یمن

الف) حمایت از انصارالله (حوثی‌ها)

در یمن، حزب‌الله به طور غیرمستقیم و با حمایت از گروه انصارالله (حوثی‌ها)، که یک گروه شیعه در یمن هستند، حضور دارد. این گروه از حمایت‌های ایران بهره‌مند بوده و حزب‌الله در زمینه آموزش‌های نظامی، مشاوره‌های استراتژیک و کمک‌های مالی از جمله ارسال سلاح‌های پیشرفته، به حوثی‌ها کمک کرده است. از دیدگاه حزب‌الله، حوثی‌ها بخشی از محور مقاومت علیه نفوذ سعودی‌ها و غرب در یمن و منطقه هستند.

ب) تقویت نفوذ ایران در منطقه

حزب‌الله در یمن نیز به عنوان یکی از ابزارهای نفوذ ایران در منطقه عمل کرده است. ایران از طریق حزب‌الله توانسته است روابط خود با حوثی‌ها را تقویت کرده و حمایت‌های نظامی و لجستیکی لازم را برای آنها فراهم آورد. این نفوذ در یمن، همزمان با حمایت‌های ایران از دیگر گروه‌های شیعه در عراق و سوریه، به بخش مهمی از استراتژی نفوذ منطقه‌ای ایران تبدیل شده است.

۴. تاثیرات استراتژیک و امنیتی بر منطقه

الف) تقویت محور مقاومت

حضور حزب‌الله در عراق، سوریه و یمن به تقویت محور مقاومت علیه نفوذ اسرائیل، آمریکا و کشورهای عربی سنی کمک کرده است. این محور که شامل ایران، حزب‌الله، سوریه، حشد الشعبی در عراق، و انصارالله در یمن است، به یک نیروی مقابله‌کننده با حملات خارجی و بی‌ثباتی منطقه‌ای تبدیل شده است. حزب‌الله به ویژه از این محور برای حفظ استقلال خود و مقابله با تهدیدات نظامی و سیاسی در لبنان و منطقه استفاده می‌کند.

ب) تهدیدات امنیتی برای اسرائیل و کشورهای عربی

حضور حزب‌الله در این کشورها تهدیدات امنیتی جدیدی را برای اسرائیل و کشورهای عربی ایجاد کرده بود. از یک سو، حزب‌الله توانسته بود با تقویت جبهه مقاومت، تهدیداتی جدی برای اسرائیل ایجاد کند، به ویژه در جبهه شمالی لبنان و سوریه. از سوی دیگر، نفوذ حزب‌الله در عراق و یمن به افزایش نگرانی‌های عربستان سعودی و دیگر کشورهای عربی سنی منجر شده است. این گروه به عنوان یکی از عوامل اصلی بی‌ثباتی در منطقه، همچنان تهدیدی برای سیاست‌های سعودی‌ها و متحدان آنها به شمار می‌رود.

نگاه کشورهای غربی و اسرائیل به نصرالله و حزب‌الله

نگاه کشورهای غربی و اسرائیل نسبت به حسن نصرالله و حزب‌الله

پیچیده و متأثر از تحولات امنیتی و سیاسی منطقه‌ای بود. این دیدگاه‌ها بیشتر بر اساس تهدیدات نظامی و ایدئولوژیک حزب‌الله، حمایت‌های ایران از این گروه، و همچنین فعالیت‌های حزب‌الله در منطقه، به‌ویژه در لبنان، سوریه، عراق، و یمن، شکل گرفته بود. کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا، و همچنین اسرائیل، حزب‌الله را به عنوان یک گروه تروریستی و تهدیدی جدی برای امنیت منطقه و جهان می‌بینند. این دیدگاه‌ها پیامدهای عمده‌ای برای روابط بین‌المللی، سیاست‌های داخلی کشورهای مختلف، و وضعیت امنیتی منطقه داشته‌است.

۱. دیدگاه کشورهای غربی درباره حزب‌الله و نصرالله

(الف) تروریسم و تهدید امنیتی

کشورهای غربی، به‌ویژه ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپا، حزب‌الله را به عنوان یک گروه تروریستی شناسایی کرده‌اند. این دیدگاه بر اساس فعالیت‌های نظامی و عملیات‌های تروریستی حزب‌الله، به‌ویژه علیه شهروندان غربی و منافع کشورهای غربی در خاورمیانه، شکل گرفته‌است. برخی از اقدامات حزب‌الله که به عنوان تروریستی شناخته می‌شود عبارتند از:

انفجارها و حملات تروریستی علیه اهداف غربی در لبنان و دیگر نقاط خاورمیانه.

حملات موشکی و عملیات نظامی علیه اسرائیل که در برخی مواقع منجر به کشته‌شدن غیرنظامیان و ایجاد تنش‌های بین‌المللی شده‌است. اتهام به دست‌داشتن در تروریسم جهانی مانند تلاش برای بمب‌گذاری علیه دیپلمات‌ها و اهداف غربی در کشورهای مختلف.

این نگرش به حزب‌الله به ویژه در ایالات متحده تقویت شده‌است که در سال ۲۰۰۱ حزب‌الله را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد. پس از آن، اتحادیه اروپا نیز بخش‌های نظامی حزب‌الله را به همین ترتیب فهرست کرده‌است.

(ب) ارتباط با ایران و ایفای نقش در سیاست‌های منطقه‌ای

کشورهای غربی حزب‌الله را به عنوان دستگاہ اجرایی ایران در لبنان و دیگر نقاط منطقه می‌بینند. حمایت ایران از حزب‌الله، به‌ویژه از نظر مالی، تسلیحاتی و آموزشی، باعث شده بوده‌است که کشورهای غربی این گروه را به عنوان ابزاری در دست تهران برای گسترش نفوذ منطقه‌ای خود و به چالش کشیدن منافع غرب در خاورمیانه ارزیابی کنند. این نگرش بر پایه ارتباط نزدیک حزب‌الله با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و واحد قدس است که عملیات‌های نظامی و اطلاعاتی ایران را در سطح منطقه‌ای هدایت می‌کنند.

حزبالله همچنین به عنوان یک نیروی مقاومتی علیه اسرائیل و غرب شناخته می‌شود که در راستای محور مقاومت ایران در برابر فشارهای آمریکا و متحدانش در خاورمیانه عمل می‌کند. کشورهای غربی به همین دلیل حزبالله را تهدیدی جدی برای ثبات منطقه و سیاست‌های امنیتی خود در خاورمیانه می‌بینند.

(ج) تحریم‌ها و فشارهای دیپلماتیک

بیشتر کشورهای غربی به منظور محدود کردن نفوذ حزبالله و جلوگیری از گسترش فعالیت‌های آن در سطح بین‌المللی، فشارهای اقتصادی، دیپلماتیک و نظامی بر این گروه وارد کرده‌اند. این فشارها شامل: تحریم‌های اقتصادی علیه اعضای حزبالله، مقامات و وابستگان آن، محدودیت‌های دیپلماتیک و تلاش برای جلوگیری از مشروعیت دادن به حزبالله در عرصه بین‌المللی.

حمایت از اسرائیل در دفاع از خود در برابر حملات حزبالله و تأمین تسلیحات برای مقابله با این گروه.

با این حال، این تلاش‌ها به دلیل حمایت‌های مستمر ایران از حزبالله و نیز حمایت مردمی در لبنان، به ویژه در میان جامعه شیعی، با چالش‌هایی روبه‌رو بوده‌است.

۲. نگاه اسرائیل به حزبالله و نصرالله

(الف) تهدید امنیتی و نظامی

برای اسرائیل، حزبالله یک تهدید مستقیم و جدی به حساب می‌آید. این گروه از نظر اسرائیل، هم از لحاظ نظامی و هم از نظر ایدئولوژیک، تهدیدی است که باید با آن مقابله کرد. برخی از دلایل نگرانی اسرائیل از حزبالله عبارتند از:

موقعیت جغرافیایی حزبالله در لبنان، که باعث می‌شود این گروه توانایی حمله به خاک اسرائیل را داشته باشد، به ویژه از مناطق مرزی در جنوب لبنان.

توانایی‌های نظامی پیشرفته حزبالله، که از حمایت‌های تسلیحاتی ایران بهره می‌برد. حزبالله به طور مداوم موشک‌ها و سلاح‌های پیشرفته را از ایران و سوریه دریافت کرده‌است که به این گروه توانایی حمله به عمق خاک اسرائیل را می‌دهد.

استراتژی جنگ نامتقارن حزبالله که می‌تواند در هر لحظه تهدیداتی برای نیروهای نظامی اسرائیل ایجاد کند و این امر به تهدیدی برای امنیت داخلی اسرائیل تبدیل شده است.

(ب) جنگ‌های متعدد و تقویت قدرت نظامی حزبالله

اسرائیل در چندین نوبت با حزبالله درگیر شده است که مهم‌ترین آن‌ها جنگ ۲۰۰۰ و جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ بود که ذکرش رفت.

(ج) مقابله با قدرت منطقه‌ای حزبالله

اسرائیل به طور مداوم به تلاش برای محدود کردن نفوذ حزب‌الله در سطح منطقه‌ای پرداخته‌است. اسرائیل نگران است که حزب‌الله از لبنان به سایر کشورهای منطقه مانند سوریه و عراق گسترش یابد و این گروه بتواند درگیرهای منطقه‌ای بیشتری را به نفع خود به راه اندازد. به همین دلیل، اسرائیل همواره در تلاش است تا هر گونه فعالیت نظامی و تروریستی حزب‌الله را در مرزهای خود تحت کنترل داشته باشد و به دنبال انزوای بیشتر این گروه در سطح بین‌المللی باشد.

۳. پیامدهای دیدگاه‌ها

(الف) تقویت جدایی در خاورمیانه

نگاه غرب و اسرائیل به حزب‌الله به تقویت دوقطبی شدن منطقه منجر شده است. کشورهای غربی و اسرائیل در مقابل حزب‌الله و محور مقاومت ایستاده‌اند، در حالی که ایران، سوریه، و گروه‌های متحد آن در منطقه (از جمله حزب‌الله) به تقویت یک بلوک مخالف می‌پردازند. این تقابلهای باعث افزایش تنشها و بحرانها در خاورمیانه شده است و رقابت‌های استراتژیک و نظامی را در سطح منطقه‌ای شدت بخشیده است.

(ب) تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک

همچنین، فشارهای اقتصادی و دیپلماتیک علیه حزب‌الله و حمایت از اسرائیل در برابر حملات این گروه، موجب تنشهای بین‌المللی شده است. کشورهایمانند لبنان و عراق که در آنها حزب‌الله یا گروه‌های مشابه فعالیت دارند، در میان فشارهای بین‌المللی از یک سو و حمایت‌های مردمی از گروه‌های مقاومتی از سوی دیگر قرار دارند. این وضعیت ممکن است به ایجاد مشکلات سیاسی و اجتماعی در این کشورها منجر شود.

(ج) تأثیر بر روابط اسرائیل و کشورهای عربی

دیدگاه‌های اسرائیل و کشورهای عربی در مورد حزب‌الله می‌تواند بر روابط آنها با کشورهای عربی تأثیر بگذارد. به ویژه با عادی‌سازی روابط برخی از کشورهای عربی با اسرائیل (مانند امارات متحده عربی و بحرین)، حزب‌الله همچنان به عنوان یک نماد مقاومت ضد اسرائیلی در نزد بسیاری از گروه‌های مردمی و برخی از کشورهای عربی باقی می‌ماند.

تحلیل ویژگی‌های شخصیتی و روش‌های رهبری نصرالله

شیوه رهبری و سبک خطابه‌ها یکی از جنبه‌های برجسته در شخصیت و تأثیرگذاری حسن نصرالله است. نصرالله به عنوان دبیر کل حزب‌الله، با استفاده از سبک رهبری خاص خود و قدرت خطابه‌هایش، توانسته است حزب‌الله را به یک نیروی مقاوم و تأثیرگذار در سیاست لبنان و

منطقه تبدیل کند. روش‌های رهبری و ویژگی‌های شخصیتی او تأثیر زیادی بر جذب حمایت مردمی و تقویت جایگاه حزب‌الله در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی داشته است. در اینجا، به تحلیل ویژگی‌های شخصیتی و روش‌های رهبری او می‌پردازیم.

۱. ویژگی‌های شخصیتی حسن نصرالله

(الف) اعتماد به نفس و ثبات روحی

یکی از ویژگی‌های برجسته حسن نصرالله، اعتماد به نفس و ثبات روحی او در مواجهه با فشارهای داخلی و خارجی بود. او همواره در سخنرانی‌هایش خود را به عنوان یک رهبر با اعتماد به خدا و ایمان به مبارزه معرفی می‌کرد. این ویژگی به او اجازه داده بود تا در زمان‌های بحرانی، مانند جنگ‌ها یا حملات اسرائیل، حفظ آرامش و تمرکز کند و به گروه خود روحیه دهد.

(ب) توانایی در مدیریت بحران

نصرالله در مدیریت بحران‌ها و شرایط دشوار سیاسی و نظامی شهرت داشت. او به عنوان رهبر حزب‌الله، توانسته بود از بحران‌های سیاسی داخلی لبنان، جنگ‌های نظامی با اسرائیل، و چالش‌های منطقه‌ای به نفع خود و حزب‌الله استفاده کند. یکی از نمونه‌های برجسته این توانایی، در زمان جنگ ۳۳ روزه ۲۰۰۶ مشاهده می‌شود، که حزب‌الله تحت رهبری او توانست در برابر ارتش اسرائیل مقاومت و خود را به عنوان یک نیروی قدرتمند در معادلات منطقه‌ای معرفی کند.

(ج) خودانگاره مقاومتی

نصرالله به شدت بر ایدئولوژی مقاومت تأکید داشت و خود را به عنوان یک رهبر انقلابی معرفی می‌کرد که برای آزادی فلسطین و مقابله با ظلم و استکبار جهانی مبارزه می‌کند. این خودانگاره مقاومتی و تأکید بر مبارزه برای حق و عدالت به او کمک کرده بود تا محبوبیت بالایی در میان بسیاری از مسلمانان، به‌ویژه در کشورهای عربی و شیعه، به دست آورد.

۲. شیوه رهبری نصرالله

(الف) رهبری جمع‌گرا و توجه به نظرات اعضای حزب‌الله

یکی از ویژگی‌های بارز رهبری نصرالله جمع‌گرایی بود. او به نظرات اعضای شوراهای تصمیم‌گیری حزب‌الله توجه ویژه‌ای داشت و در فرآیندهای مهم سیاسی و نظامی، تصمیمات را پس از مشورت با اعضای ارشد حزب‌الله اتخاذ می‌کرد. این سبک رهبری، حزب‌الله را به یک سازمان منظم و هماهنگ تبدیل کرده‌است که قادر است در شرایط بحرانی تصمیمات سریع و مؤثری اتخاذ کند.

ب) رهبری استراتژیک و بلندمدت

حسن نصرالله علاوه بر تصمیم‌گیری‌های روزمره و فوری، به فکر استراتژی بلندمدت و آینده‌نگری نیز بود. این ویژگی را می‌توان در دیپلماسی منطقه‌ای و رویکردهای نظامی حزب‌الله مشاهده کرد. نصرالله به‌طور مداوم در حال برنامه‌ریزی و ساخت شبکه‌های حمایتی و ارتباطات سیاسی بود که از حمایت‌های مردمی، کشوری، و حمایت‌های ایران بهره می‌برد. این استراتژی‌ها حزب‌الله را از یک گروه نظامی محلی به یک بازیکن کلیدی در سیاست منطقه‌ای تبدیل کرده‌است.

ج) تطبیق‌پذیری و انعطاف‌پذیری در شرایط مختلف

نصرالله قادر به تطبیق‌پذیری با شرایط مختلف بود. او می‌توانست در مواقع حساس، از آتش‌بس‌های موقت استفاده کند یا گفتمان‌های جدید به‌کار گیرد تا حزب‌الله را از مشکلات سیاسی یا نظامی خلاص نماید. به عنوان مثال، در مواقعی که درگیری‌ها با اسرائیل تشدید می‌شد، نصرالله با رعایت موازنه قدرت، در پی استفاده از دیپلماسی برای کاهش تنش‌ها بود.

۳. سبک خطابه‌های حسن نصرالله

الف) ارتباط مستقیم با مردم

نصرالله با استفاده از خطابه‌های عمومی و سخنرانی‌های تلویزیونی خود، ارتباطی مستقیم با مردم برقرار می‌کرد. او به گونه‌ای سخنرانی می‌کرد که مردم احساس می‌کردند در کنار آنها ایستاده‌است و صدا و نماینده آنها در برابر دشمنان است. این ارتباط عاطفی و اجتماعی، باعث می‌شد که پیام‌های او تأثیر عمیقی در توده‌های مردم بگذارد.

ب) استفاده از زبان ساده و قابل فهم

نصرالله در سخنرانی‌های خود از زبان ساده و روان استفاده می‌کرد که برای همه اقشار مردم قابل درک باشد. این شیوه، به‌ویژه در زمان‌های جنگ و بحران‌ها، کمک می‌کرد تا پیام‌های او سریع‌تر منتقل شود و مردم بتوانند با هدف‌گذاری‌ها و استراتژی‌های حزب‌الله هماهنگ شوند. این سبک از خطابه باعث می‌شد تا حزب‌الله برای جوانان و اقشار کم‌درآمد لبنان، که ممکن است دسترسی محدودی به اطلاعات پیچیده داشته باشند، بسیار جذاب و نزدیک به نظر برسد.

ج) استفاده از نمادهای مذهبی و فرهنگی

نصرالله در بسیاری از سخنرانی‌های خود از نمادهای مذهبی و ارزش‌های فرهنگی استفاده می‌کرد تا پیام‌های خود را در ذهن مردم و طرفداران حزب‌الله ماندگار کند. او معمولاً به امام حسین (ع) و نهضت عاشورا به عنوان نمادهای مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم اشاره می‌کرد و تلاش می‌کرد تا مردم را به یاد تاریخ مبارزات شیعی و الگوهای

مقاومت بیاندازد. این روش باعث می‌شد که پیام‌های او به صورت عمیق‌تر در دل مخاطبان‌ش جا بیفتد.

د) پیوند دادن مسائل داخلی لبنان با مسائل منطقه‌ای و جهانی یکی دیگر از ویژگی‌های مهم سخنرانی‌های نصرالله، ارتباط دادن مسائل داخلی لبنان با مسائل منطقه‌ای و جهانی است. او توانسته بود نگرانی‌های مردم لبنان را با مسائل کلیدی منطقه مانند مقاومت در برابر اسرائیل، مبارزه با تروریسم، و مقابله با دخالت‌های خارجی در هم آمیخته و نشان دهد که مشکلات داخلی لبنان جزئی از یک مبارزه بزرگ‌تر است. این پیوند دادن موجب شده بود که حزب‌الله در نظر بسیاری از مردم لبنان نه تنها یک گروه سیاسی یا نظامی بلکه یک جنبش مقاومت با اهداف جهانی به نظر برسد.

ه) قدرت بیان و استفاده از احساسات نصرالله به عنوان یک خطیب، از قدرت بیان و بیان احساسات بهره می‌برد. او توانسته بود در بسیاری از سخنرانی‌ها، احساسات مردم را برانگیزد و از این طریق آنها را به پیوستن به جنبش مقاومت و حمایت از حزب‌الله ترغیب‌کند. در مواقعی مانند جنگ‌ها و بحران‌ها، او با استفاده از زبان رسا و سخنان تحریکی، احساسات مردم را تحت تاثیر قرار می‌داد و آنها را به مبارزه و مقاومت بیشتر تشویق می‌کرد.

حزب‌الله و نصرالله در بوته نقد انتقادات و چالش‌ها به حزب‌الله و حسن نصرالله به ویژه در سطح داخلی و خارجی از جنبه‌های مختلفی طرح شده است. این نقدها شامل موارد نظامی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و بین‌المللی می‌شود. پیش از وقایع اخیر، حزب‌الله و نصرالله با وجود موفقیت‌های چشمگیر، با چالش‌های متعددی در داخل لبنان و در عرصه بین‌المللی مواجه بودند.

۱. انتقادات داخلی از حزب‌الله

حزب‌الله در لبنان با وجود داشتن حمایت‌های گسترده‌ای از طرف شیعیان، با انتقادات شدید از سوی دیگر گروه‌های سیاسی و اجتماعی مواجه است. این انتقادات به ویژه از سوی گروه‌های سُنّی، مسیحی، و برخی گروه‌های درون‌حکومتی صورت می‌گرفت.

الف) مداخلات نظامی حزب‌الله در لبنان

یکی از بزرگ‌ترین انتقادات وارده به حزب‌الله از سوی مخالفان داخلی، مداخله حزب‌الله در سیاست داخلی لبنان و نقض حاکمیت ملی است. بسیاری از منتقدان حزب‌الله معتقدند که این گروه به عنوان یک جنبش مقاومتی، عملاً به یک دولت در دولت تبدیل شده بود که در برخی

موارد حتی حاکمیت دولت لبنان را به چالش می‌کشید. در مواردی مانند اعتراضات مردمی ۲۰۱۹ و بحران اقتصادی اخیر لبنان، برخی منتقدان حزب‌الله را به عنوان عامل ایجاد بحران‌های داخلی لبنان معرفی کرده‌اند و از این گروه خواسته‌اند که به جای تقویت نقش خود در سیاست، بیشتر به مسائل داخلی لبنان توجه کند.

(ب) وابستگی به ایران و آسیب به استقلال لبنان
حزب‌الله به شدت از جمهوری اسلامی ایران حمایت می‌کرد و می‌کند و این مسأله به یکی از بزرگ‌ترین انتقادات داخلی تبدیل شده بود. مخالفان حزب‌الله می‌گویند که وابستگی این گروه به ایران موجب آسیب به استقلال لبنان و ایجاد مشکلات در روابط لبنان با کشورهای عربی و غرب می‌شود. برخی از سیاستمداران و تحلیلگران داخلی اعتقاد دارند که حزب‌الله به عنوان یک نیروی نظامی و سیاسی در لبنان، به دنبال پیشبرد منافع ایران در منطقه بوده است و نه منافع لبنان.

(ج) نقد اقتصادی و فساد

حزب‌الله در شرایط اقتصادی بحرانی لبنان نیز مورد نقد قرار گرفته است. بسیاری از منتقدان بر این باورند که حزب‌الله علیرغم داشتن منابع مالی گسترده، نتوانسته است به مشکلات اقتصادی لبنان رسیدگی کند. در حالی که حزب‌الله از حمایت‌های مالی ایران برخوردار بوده است، منتقدان معتقدند که این گروه باید نقش بیشتری در حل بحران‌های اقتصادی و مقابله با فساد ایفا کند. این در حالی است که برخی از مخالفان حزب‌الله، این گروه را متهم به سوءاستفاده از منابع مالی و عدم پاسخگویی به مشکلات داخلی لبنان می‌کنند.

۲. انتقادات خارجی از حزب‌الله

حزب‌الله در عرصه بین‌المللی نیز با نقدهای زیادی مواجه بوده است، به ویژه از سوی ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و برخی از کشورهای غربی و عربی.

(الف) تروریسم و فعالیت‌های نظامی حزب‌الله

یکی از اصلی‌ترین انتقادات وارد به حزب‌الله از سوی کشورهای غربی، به ویژه ایالات متحده و کشورهای اتحادیه اروپا، مربوط به فعالیت‌های به باور آنان، تروریستی و اقدامات نظامی این گروه است. ایالات متحده، حزب‌الله را به عنوان یک گروه تروریستی می‌شناسد و به‌طور مستمر از این گروه به دلیل انجام حملات تروریستی علیه منافع غربی و مشارکت در جنگ‌ها در سوریه و عراق انتقاد می‌کند. همچنین، اسرائیل حزب‌الله را به عنوان یکی از بزرگ‌ترین تهدیدات نظامی خود و اقدامات نظامی حزب‌الله در مرزهای شمالی اسرائیل را تهدیدی مستقیم برای امنیت خود می‌انگاشت.

ب) حمایت از گروه‌های مسلح در منطقه
حزبالله به عنوان حامی اصلی بشّار اسد در سوریه و نیز حمایت از گروه‌های شیعی مسلح در عراق و یمن، از سوی بسیاری از کشورهای عربی و حتی برخی کشورهای غربی به عنوان عامل بی‌ثباتی در منطقه شناخته می‌شود. حمایت حزب‌الله از گروه‌های شبه‌نظامی و مشارکت در جنگ‌های نیابتی در سوریه و عراق به شدت از سوی کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی و امارات متحده عربی مورد انتقاد قرار گرفته‌است. این کشورها حزب‌الله را متهم می‌کنند که به بی‌ثباتی و جنگ‌های داخلی در کشورهای عربی دامن زده‌است.

ج) نقش ایران در حمایت از حزب‌الله
در سطح بین‌المللی، حمایت‌های مالی و نظامی ایران از حزب‌الله موجب نگرانی‌های زیادی برای کشورهای غربی و عربی شده‌بوده‌است. این گروه به عنوان بازوی نظامی ایران در لبنان و منطقه شناخته می‌شد، و بسیاری از کشورها ایران را به دلیل حمایت‌های مالی و تسلیحاتی از حزب‌الله متهم می‌کنند که در تلاش بوده‌است نفوذ خود را در کشورهای مختلف گسترش دهد. کشورهای غربی از ایران به عنوان یک تهدید بزرگ برای امنیت جهانی یاد می‌کنند و فعالیت‌های حزب‌الله را به عنوان یکی از مظاهر این تهدید می‌دانند.

ترور سیدحسن نصرالله

نصرالله از بدو احراز دبیرکلی حزب‌الله لبنان، به عنوان یک هدف اسرائیل برای ترور شناخته می‌شد و بارها هدف ترور قرار گرفته بود. مهم‌ترین این ترورها در سال‌های ۲۰۰۶ و ۱۹۹۷ واقع شد که در هر دوی آنها، نافرجام بود. از این رو سال‌ها بود که کمتر در انظار عمومی حاضر می‌شد. تیم حفاظتی ۱۵۰ نفره‌ای مسئولیت حفاظت وی را بر عهده داشتند. این تیم حفاظت را عماد مغنیه ایجاد کرد و ابو علی جواد مسئولیت این تیم را بر عهده داشت. وی که داماد سید حسن نصرالله و به «سپر سید» معروف بود، دوره‌های متعدد و پیچیده نظامی را در ایران گذرانده است. به گفته کسانی که با او دیدار داشتند، نیروهای حزب‌الله آنان را برای دیدار با نصرالله با خودروهایی پوشیده از پرده‌های ضخیم و با تدابیر امنیتی شدید به مکانی نامشخص هدایت می‌کردند. همچنین سخنران‌هایش به‌طور زنده و بدون حضور مردم انجام می‌شد.

در ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴، تعداد قابل توجهی از پیجرهای حزب‌الله لبنان، منفجر شدند. این اقدام برای ترور اعضای حزب‌الله صورت گرفته بود. حسن نصرالله از این ترور جان سالم به در برد. به گفته رویترز، چندی پس از این رویداد، آیت‌الله خامنه‌ای از او خواسته بود تا

برای حفظ جان‌ش، به ایران بیاید. سرانجام در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۴ (۶ مهر ۱۴۰۳)، سخنگوی ارتش اسرائیل اعلام کرد که نیروی هوایی این کشور، مقر اصلی حزب‌الله در بیروت را با هدف کشتن نصرالله مورد حمله قرار داده‌است. منبع وابسته به حزب‌الله و همین‌طور برخی خبرگزاری‌های ایرانی به رویترز گفتند که نصرالله زنده است. اما ارتش اسرائیل در روز بعد مدعی شد که نصرالله طی حمله هوایی به زیرزمین یک ساختمان در ناحیه ضاحیه در جنوب بیروت کشته شده‌است. ساعاتی بعد این خبر از سوی حزب‌الله نیز تأیید شد.

واکنش‌ها به ترور نصرالله

حماس، جهاد اسلامی فلسطین، گردان‌های کتاب حزب‌الله، حشد شعبی و انصارالله یمن هر کدام با صدور بیانیه‌ای تسلیت گفتند. به گفته عبد کنعانه، استاد دپارتمان خاورمیانه دانشگاه تل‌آویو، کشته شدن او به عنوان یکی از رهبران مقاومت اسلامی علیه اسرائیل، بیشتر منتقدان اسرائیل را ناراحت کرد. در مقابل، بسیاری از هم‌پیمانان اسرائیل نیز کشته شدن او را عدالت دانستند و از ترور او به عنوان یک تروریست حمایت کردند. بسیاری از مقامات سیاسی مسلمان نیز ترور حسن نصرالله را محکوم و پیام تسلیت صادر کردند. آیت‌الله سید علی خامنه‌ای، به دنبال این واقعه، ۵ روز عزای عمومی در ایران اعلام کرد. در ۱ اکتبر ۲۰۲۴ نیز سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، حملاتی موشکی موسوم به وعده صادق ۲ به اسرائیل انجام داد. در بیانیه سپاه آمده بود که این حملات به تلافی ترور سید حسن نصرالله، عباس نیلفروشان و اسماعیل هنیه انجام گرفته‌است.

پیامدهای ترور نصرالله

در پی ترور سید حسن نصرالله، کار برای تعیین جانشین او با کندی پیش رفت. به گفته مقامات لبنانی، این تأخیر در انتخاب جانشین برای دبیرکل حزب‌الله لبنان، به خاطر بیم از ترور رهبر جدید با وجود نفوذی‌ها در میان اعضای حزب‌الله بود.

ترور او با هدف سست کردن روحیه اعضای حزب‌الله و جلوگیری از ادامه روند حملات حزب‌الله به ناحیه شمالی اسرائیل انجام گرفت. ترور حسن نصرالله در ادامه روند ترور فرماندهان و اعضای حزب‌الله در لبنان، ضربات سنگینی به حزب‌الله وارد کرد.

مراسم یادبودی از طرف دفتر آیت‌الله خامنه‌ای برای سید حسن نصرالله در مصلی تهران برگزار شد.